

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

عربی

پایه اوّل (هفتم)

دوره اوّل متوسطه

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

برنامه‌ریزی محتوا و نظارت بر تألیف : دفتر تألیف کتاب‌های درسی بنده‌یی و متوسطه نظری

نام کتاب : عربی سال اول متوسطه اول (هفتم) ۱۱۴/۱

سرگروه تألیف : عادل شکبوس

مؤلفان : عادل شکبوس ، محی‌الدین بهرم محمدیان ، حبیب تقوی ، علی‌جان بزرگی ، علی‌چرغی ،
بازر عیاجی ، حمیدرضا کفّاش ، عبد‌الله یزدنی و فاطمه یوسف نژاد

شورای برنامه‌ریزی درسی عربی : سعید آقابور ، عبد‌لعلی آل‌بویه لنگرودی ، عادل شکبوس ، پانته آ میرانشایی ،

بروین باسحا ، حمد بردی ، محی‌الدین بهرم محمدیان ، حبیب تقوی ، علی‌جان بزرگی ، علی‌چرغی ،

علی‌کبر روشندن ، محمد سیفی ، هاجر صدقت‌مهر ، باذر عیاجی ، سکینه فتاحی زده ،

غلامحسین کسری ، حمیدرضا کفّاش ، عبد‌الله یزدنی و فاطمه یوسف نژاد

ویراستار : محمد کاظم بهنیا

آماده‌سازی و نظارت بر چاپ و توزیع : دره‌کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی

تهران : خیابان پرشهر شمالی-ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن : ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹ ، دورنگار : ۸۸۳۰۹۲۶۶ ، کدبستی : ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹

وبسایت : www.chap.sch

مدیر امور فنی و چاپ : سید محمد حسینی

مدیر هنری : مجید ذکری یونسی

عکاسان : عادل شکبوس ، مهدی ذبیحی فرد ، محمد عباسی

تصویرگر : مهدی دشتی

طراح جلد ، طراح گرافیک و صفحه‌آرا : محمد مهدی ذبیحی فرد

حروفچین : عادل شکبوس

امور فنی رایانه‌ای : حمید ثابت کلاچاهی ، پیمان حبیب‌پور

ناشر : شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی برن

تهران : کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (درویش)

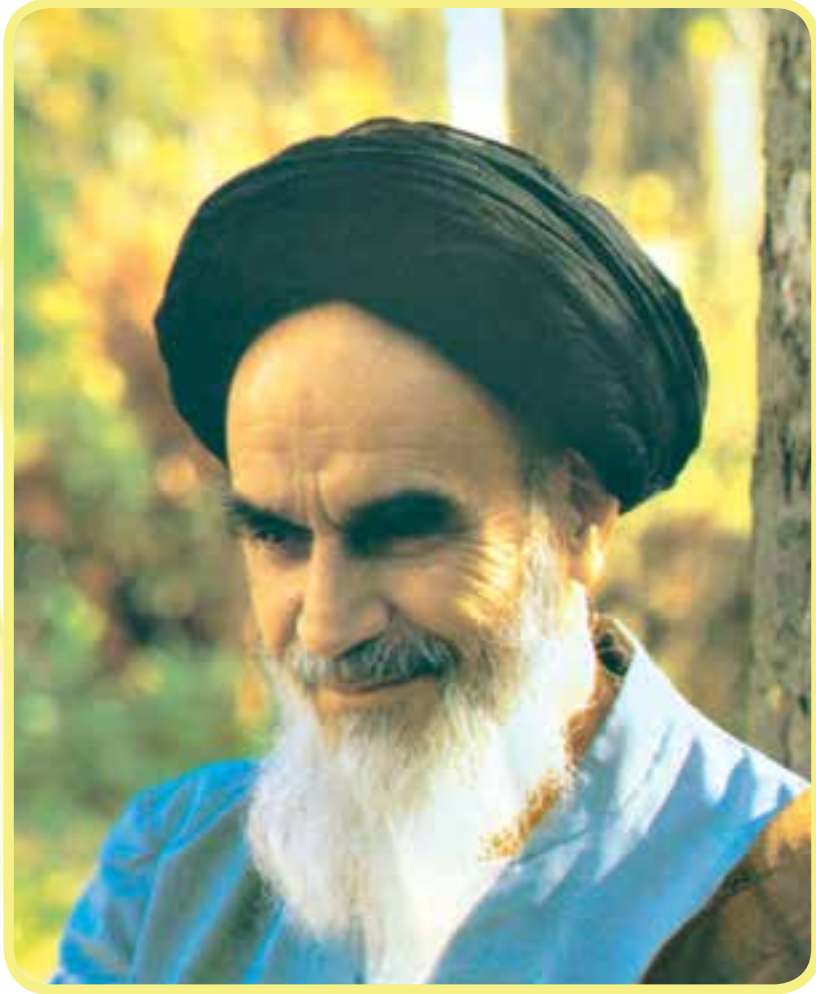
تلفن : ۵ - ۴۴۹۸۵۱۶۱ ، دورنگار : ۴۴۹۸۵۱۶۰ ، صندوق پستی : ۳۷۵۱۵-۱۳۹

چاپخانه : شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

سال انتشار و نوبت چاپ : چاپ اول ۱۳۹۲

حق چاپ محفوظ است

شابک ۶ ۲۱۷۸ ۰۵ ۹۶۴ ۹۷۸ ISBN 978-964-05-2178-6



لغت عربی از ماست. لغت عربی لغت اسلام است.
امام خمینی (ره)

١ ----- **الفصل الأول** (اسم اشاره)-----

٢ ----- الدرس الأول ١ ----- (قيمة العلم)-----

٦ ----- الدرس الثاني ٢ ----- (نور الكلام)-----

١٠ ----- الدرس الثالث ٣ ----- (كثرة الكنوز)-----

١٥ ----- **الفصل الثاني** (كلمه های یرششی)-----

١٦ ----- الدرس الرابع ٤ ----- (جواهر الكلام)-----

٢٠ ----- الدرس الخامس ٥ ----- (كنوز الحكم)-----

٢٤ ----- الدرس السادس ٦ ----- (كثرة التصيحة)-----

٢٨ ----- الدرس السابع ٧ ----- (الحكم النافعة)-----

٣٢ ----- الدرس الثامن ٨ ----- (المواعظ العديدة)-----

٣٥ ----- **الفصل الثالث** (ضمير)-----

٣٦ ----- الدرس التاسع ٩ ----- (حوار بين ولدين)-----

٤٠ ----- الدرس العاشر ١٠ ----- (مقام العالم)-----

٤٥ ----- **الفصل الرابع** (فعل ماضی)-----

٤٦ ----- الدرس الحادي عشر ١١ ----- (حوار في الأسرة)-----

٥٠ ----- الدرس الثاني عشر ١٢ ----- (الأسرة الناجحة)-----

٥٤ ----- الدرس الثالث عشر ١٣ ----- (في السوق)-----

٥٨ ----- الدرس الرابع عشر ١٤ ----- (الجملة الذهبية)-----

٦٢ ----- الدرس الخامس عشر ١٥ ----- (في الحدود)-----

٦٦ ----- الدرس السادس عشر ١٦ ----- (الآداب والفصول والألوان)-----

٧٠ ----- الدرس السابع عشر ١٧ ----- (زينة الباطن)-----

٧٢ ----- الدرس الثامن عشر ١٨ ----- (الإخلاص في العمل)-----

٧٤ ----- الدرس التاسع عشر ١٩ ----- (إتسامه)-----

٧٨ ----- الدرس العشرون ٢٠ ----- (إتسامات)-----

٨٢ ----- **واژه نامه**-----

برای تدریس این کتاب باید دوره آموزشی ضمن خدمت را گذرانده باشید؛ چنانچه به هر دلیل موفق به گذراندن این دوره نشده اید؛ لازم است کتاب راهنمای تدریس معلم را تهیه کنید. فایل پی دی اف کتاب معلم در وبگاه گروه عربی قرار دارد.

خدای را سپاس که به ما توفیق داد تا با نگارش این کتاب به نوجوانان کشور عزیزمان خدمتی فرهنگی کرده باشیم این کتاب نخستین کتاب عربی از مجموعه کتاب‌های دوره اول متوسطه می باشد که تدوین آن بر اساس تغییر نظام آموزشی صورت گرفته است شورای تألیف، یک تیم نه نفره شامل استادان دانشگاه و معلمان بوده است کتاب پیش از چاپ، چندین بار در جلسات گروه‌های آموزشی عربی به نقد و بررسی گذاشته و در چند نقطه کشور تدریس آزمایشی شد؛ تا اشکالات احتمالی برطرف و نقاط قوت آن نیز هرچه بیشتر تقویت گردد رویکرد راهنمای برنامه درسی عربی «**پرورش مهارت‌های زبانی به منظور تقویت فهم متون دینی و کمک به زبان و ادبیات فارسی**» است شیوه کتاب متن محوری است انتظار می رود دانش آموز بتواند در پایان نیمسال اول تحصیلی برخی عبارات و در پایان نیمسال دوم متون ساده عربی را درست بخواند و معنای آن را بفهمد در این کتاب ۳۹۳ کلمه ساده و دشوار به کار رفته است

هرچند این کتاب قاعده محور نیست؛ اما در بیشتر درس‌های کتاب، نکاتی تحت عنوان «بدانیم» و «فَنّ ترجمه» آمده که هدف آن کمک به فهم بهتر متن و عبارت است آنچه در بخش «بدانیم» آمده به منظور فهم معنای جملات است فراگیر قاعده را می خواند تا بتواند به کمک آن درست بخواند، درست بشود و درست ترجمه کند هدف اصلی درست خواندن، فهمیدن و ترجمه است در واقع قواعد در خدمت فهم عبارت و متن است و این موضوع در بارم بندی امتحانات نیز لحاظ شده است

در نیمه اول کتاب، عبارات ساده و کوتاه اند و این طبیعی است؛ زیرا فراگیر در ابتدای کار است اما در نیمه دوم، علاوه بر عبارات ساده، متون کوتاه مکالمه و داستان نیز آمده است در این کتاب، مکالمه نیز اهمیت دارد؛ مکالمه به درس عربی جدّایت می بخشد؛ آن را زبانی پویا و کاربردی نشان می دهد و موجب تقویت آموزش نیز می گردد؛ زیرا مکالمه بستر واقعی یادگیری هر زبانی است زبان عربی زبان نخست جهان اسلام و یکی از زبان‌های بین المللی است؛ لذا در این کتاب به این امر مهم نیز پرداخته شده است

روخوانی در کتاب‌های جدید اهمیت ویژه ای دارد دانش آموز باید بتواند درست بخواند تا درست ترجمه کند

این کتاب در چهار فصل و بیست درس تنظیم شده است

فصل اول، سه درس است در این فصل امثال و حکم ساده و در عین حال پر ارزشی آمده است همچنین عبارت‌هایی در باره «اسم اشاره به مفرد، مثنی و جمع» آمده که در آن مثنی و انواع جمع (سالم و مکسر) نیز تدریس شده است

فصل دوم، پنج درس است در زمینه مثل‌ها و حکمت‌ها در این فصل نیز مانند فصل اول عمل شده است حروف و اسماء استفهام «هَلْ، أ، مَنْ، ما و کَمْ» آموزش داده می شود در کنار «مَنْ»، «مَنْ هُوَ»، «مَنْ هِيَ» و «لِمَنْ» و در کنار «ما»، «ما هُوَ»، «ما هِيَ» و «ماذا» نیز قرار می گیرد در کنار «کَمْ» عدد‌های اصلی یک تا دوازده آموزش داده می شود اما تطابق عدد و معدود آموزش داده نمی شود

فصل سوم، از این فصل علاوه بر عبارات ساده، متون کوتاه و مکالمه نیز زینت بخش کتاب شده است در این فصل ضمیر در دو درس آموزش داده می شود دانش آموزان در دو فصل قبل با چند ضمیر در قالب واژه‌های جدید آشنا شده اند ولی آموزش رسمی ضمیر از این فصل آغاز می شود البته اختصاص فصل سوم به ضمیر به این معنی نیست که دو درس برای تدریس ضمیر کافی است در درس‌های بعدی نیز ضمیرها در کنار فعل ماضی تدریس خواهد شد در واقع مباحث کتاب برای تعمیق و تثبیت در ذهن فراگیر به اندازه کافی تکرار می گردند

فصل چهارم، شامل ده درس است چندین متن مکالمه به منظور تقویت مهارت سخن گفتن در این فصل آمده است در درس یازدهم تا سیزدهم

فعل ماضی یکجا آموزش داده می‌شود درس چهاردهم آشنایی با آهنگ تلفظ فعل هاست درس پانزدهم علاوه بر اینکه دوره ای بر آموخته‌های چهار درس پیشین است؛ آشنایی با افعال پرکاربرد و حرف نفی «ما» است درس شانزدهم در باره روزهای هفته، نام فصل‌ها و رنگ هاست متن درس هفدهم و هجدهم داستان می‌باشد که در پایان هر داستان، سخن بزرگان دین به عنوان نتیجه اخلاقی، زینت بخش متن شده است درس نوزدهم و بیستم به عنوان حسن ختام از چند «ابتناسامه» تشکیل شده است که هیچ واژه جدیدی در آن وجود ندارد و تمرینات آن هم مروری بر آموخته‌های دروس قبلی است که دانش‌آموزان آن‌ها را به عنوان تکلیف در منزل حل می‌کنند و برای رفع اشکال به کلاس می‌آورند پایان کتاب نیز «المعجم» : واژه‌نامه است

مهم ترین تذکرات در باره شیوه تدریس و ارزشیابی این کتاب :

۱- در آغاز باید دانش‌آموز بداند چرا عربی می‌آموزد به همین منظور پشت جلد اختصاص به این کار دارد و لازم است که دانش‌آموز را در همان هفته اول مهر به پشت جلد ارجاع داد و از او خواست تا اگر موارد دیگری به ذهنش می‌رسد عنوان کند او عربی می‌خواند؛ زیرا :

الف زبان عربی، زبان قرآن و علوم و معارف اسلامی است

ب زبان و ادبیات فارسی با زبان عربی کاملاً درآمیخته است و فهم درست زبان و ادبیات فارسی بدون آشنایی با این زبان امکان ندارد

ج زبان عربی یکی از زبان‌های بین‌المللی و مهم جهان است

د زبان نخست جهان اسلام و زبان رسمی بیش از بیست کشور مسلمان است

۲- آنچه باید سرلوحه کار معلم قرار گیرد این است که دانش‌آموز در آغاز راه یادگیری زبان عربی است لازم است به مطالبی که در کتاب

آمده است بسنده کند و مطلب اضافه ای به او آموزش ندهد؛ زیرا آنچه را او باید بیاموزد به تدریج و طی سال‌های آینده فرا خواهد گرفت

۳- سیاست تألیف در تمامی قسمت‌های کتاب مبنی بر تسهیل و جذابیت است به همین منظور بزرگ‌ترین مسئولیت معلم آن است که با لطایف الحیل، مطالب کتاب را به ساده‌ترین روش به فراگیر تدریس کند هنر معلم، علاقه مند کردن دانش‌آموز نسبت به درس عربی است لذا باید در امتحانات از طرّاحی سؤالات معماگونه خودداری کرد مؤلفان نیز به نوبه خود تلاش نموده اند تا زمینه دشوارسازی آموزش را از بین ببرند به منظور تسهیل آموزش واژگان جدید هر درس به همراه ترجمه در آغاز درس آمده و علاوه بر آن تمام واژگان تحت عنوان «المعجم» در پایان کتاب قرار گرفته است

۴- تألیف کتاب درس عربی بر اساس «راهنمای برنامه درسی» با توجه به اسناد بالادستی مانند «قانون اساسی» و «برنامه درسی ملی» نوشته شده است این راهنما، نقشه راه برای تألیف همه کتاب‌های درسی سه ساله اول و سه ساله دوم متوسطه می‌باشد که در «شورای برنامه ریزی درسی» تهیه و تنظیم شده است این شورا از استادان، کارشناسان و معلمان مجرب تشکیل شده است نگاشت «راهنمای برنامه درسی عربی» به مدت پنج سال به طول انجامید و در نگارش، اعتباربخشی و اصلاح آن این گروه‌ها سهیم بودند :

اعضای گروه درسی عربی دفتر تألیف، مؤلفان کتاب‌های درسی، دبیرخانه راهبری کشوری درس عربی، پایگاه کیفیت بخشی فرآیند آموزش عربی دوره راهنمایی، اعضای گروه‌های آموزشی، دبیران مجرب، استادان دانشگاه، متخصصان تعلیم و تربیت اسلامی، روان‌شناسی، برنامه ریزی درسی و سنجش و ارزشیابی، نمایندگان حوزه علمیه، کارشناسان سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی مانند شورای هماهنگی علمی همچنین در این راه مصاحبه‌های بسیاری با صاحب نظران، استادان، دبیران، مدیران و دانش‌آموزان صورت گرفته است

۵- سال‌ها آموزش عربی در ایران قاعده محور بوده و برخی از دبیران به این شیوه خوی گرفته اند این گروه شایسته است بدانند در کتاب حاضر، ذکر قواعد فقط برای فهم بهتر عبارت و متن است

- ۶- در تألیف کتاب به تجربیات موفق کتاب‌های عربی پیشین توجه شد و مباحث غیر ضروری و کم اهمیت کنار نهاده شد
- ۷- **کار عملی در این کتاب تهیه انواع کاردستی نیست؛** بلکه کارهایی مانند مکالمه، نمایش، سرود، ترجمه تصویری و داستان نویسی می باشد یعنی باید دانش آموز آموخته‌هایش را در قالب سخن گفتن یا نوشتن به منصه ظهور برساند
- ۸- کلمات به کار رفته در این کتاب، پرکاربردترین واژگان زبان عربی است که در قرآن و حدیث و نیز در زبان و ادبیات فارسی بسیار به کار رفته اند
- ۹- هر یک از درس‌های این کتاب مکمل درس پیشین است و کتاب‌های سال آینده نیز هر یک مکمل کتاب پیش از خود هستند کتاب‌های عربی یک مجموعه هدفمند و حساب شده اند

- ۱- در بخش «بدانیم» سعی شده است با شاهد مثال، اصول زبان به دانش آموز آموخته شود. در این بخش **نیازی به حفظ تعاریف و اصطلاحات نیست** ذکر تعاریف و اصطلاحات فقط به منظور فهم بهتر عبارات و متون است و میوه آن فهم زبان است
- ۱۱- تصاویر کتاب؛ دو منظوره انتخاب شده است؛ یعنی علاوه بر هدف اصلی که کمک به آموزش زبان عربی است؛ ابعاد تربیتی و فرهنگی نیز دارند در این راستا به عدالت در توزیع جنسیتی و مسائلی از این گونه توجه شده است. بسیاری از تصاویر که مربوط به بزرگان و افتخارآفرینان کشور است به صورت هدفمند انتخاب شده اند و در آن به مسایلی مانند ارزش جایگاه علم و علما، دفاع مقدس، حفظ محیط زیست، احترام به قوانین راهنمایی و رانندگی و توجه شده است
- ۱۲- عبارات و متون کتاب همانند تصاویر با دو رویکرد آموزش زبان و تحقق اهداف تربیتی و فرهنگی آورده شده اند به گونه ای که تمامی سخنان حکمت آمیز به کار رفته در کتاب در تربیت دانش آموز مؤثرند. دبیر محترم باید توجه داشته باشد که از هدف اصلی که آموزش زبان عربی است دور نیفتد و توضیح در باره سخنان حکمت آمیز موجب نگردد که به مصداق «الکلامُ بَجْرُ الكَلامِ» از هدف اصلی فاصله بگیرد
- ۱۳- تدریس این کتاب نیازمند طی دوره‌های آموزش روش تدریس در کلاس‌های آموزش ضمن خدمت فرهنگیان است
- ۱۴- **از ارائه «جزوه قواعد» به دانش آموز خودداری گردد** هرچه در زمینه قواعد لازم بوده در همین کتاب تحت عنوان «بدانیم» آمده است
- ۱۵- **مطلقاً از طرح سؤالاتی در زمینه «ترجمه فارسی به عربی» خودداری شود** زیرا از اهداف عربی سال اول متوسطه نیست دانش آموز باید بتواند جمله عربی را بخواند و ترجمه کند و البته قدرت تشخیص نیز داشته باشد در سال اول از او «ساختن جمله عربی» خواسته نمی شود (در بخش مکالمه یعنی پاسخگویی به کلمات پرسشی این استثنا وجود دارد زیرا در مکالمه باید بتواند پاسخ کوتاه دهد که انتظار در حد یک یا نهایتاً دو کلمه است)

۱۶- **هیچ واژه‌ای بیرون از جمله مورد سؤال واقع نشود** ترجمه کلمات، در داخل جمله خواسته شود مثلاً:

ترجمه کلمات مشخص شده را بنویسید

فَصَلِّ السُّنَّاءِ بَارِدٌ لَوْ أَنَّ السَّمَاءَ أُرْزُقُ الْعِلْمُ فِي الصَّغَرِ كَالنَّقِيشِ فِي الْحَجَرِ

- ۱۷- از هیچ ضرب المثل، حدیث یا آیه مشابهی جز آنچه در کتاب درسی آمده است در آزمون‌ها برای ترجمه استفاده نشود انتخاب سخنان حکمت آمیز در محدوده دانسته‌های دانش آموز کاری بس دشوار بود که گروه مؤلفان در انتخاب آن وقت زیادی را صرف کردند
- ۱۸- **در پاسخ گویی به جملات استفهامی در درس دوم باید به پاسخ‌های یک کلمه‌ای دانش آموز بسنده شود** پاسخ کامل مد نظر نیست برای نمونه، در پاسخ به چنین سؤالی «هل أنت من إيران؟» جواب «نعم» کافی است و در این حالت نمره کامل می گیرد این مورد تنها جایی است که «ساختن» از دانش آموز خواسته شده است و در غیر بحث اسماء و حروف استفهام ساختن جمله عربی مورد نظر نیست
- گفتنی است از آنجاکه در رویکرد این کتاب، پرورش مهارت‌های زبانی آمده و سخن گفتن نیز یکی از این موارد است لذا بخش «اسماء و حروف استفهام» استثنا شده است در برخی مدارس خاص می توان از دانش آموزان خواست که پاسخ کامل دهند و علاوه بر آن مکالمات به کار رفته در

کتاب را حفظ کنند

۱۹- در آموزش «عددهای یک تا دوازده» کافی است که دانش‌آموز عددها را فقط به صورت «واحد، اثنان، ثلاثة، أربعة، خمسة ، أحد عشر و اثناعشر» بیاموزد. بنابراین تطابق عدد و معدود مطلقاً از اهداف آموزشی این پایه نیست و نباید هیچ اشاره‌ای به آن شود؛ زیرا این بحث از دشوارترین مباحث زبان عربی است. دانش‌آموز این دوازده عدد را به عنوان دوازده کلمه جدید یاد می‌گیرد. شکل مؤنث عددها، مانند «خمس بنات» از اهداف نیست.

۲- در آموزش رنگ‌ها شش رنگ «أسود، أبيض، أحمر، أصفر، أزرق و أخضر» برون «أفعل» مد نظر است و آموزش وزن «فَعْلَاء» هدف آموزشی نیست. هرچند در بخش «بدانیم» به آن اشاره‌ای شده است.

۲۱- در آزمون شفاهی هدف، درست خواندن است. بدیهی است برگزاری آزمون شفاهی در یک روز، امکان‌پذیر نیست. بنابراین، هرچه را دانش‌آموز در طول سال تحصیلی می‌خواند و مجموعه فعالیت‌های شفاهی او، نمره شفاهی اش را تشکیل می‌دهد. دانش‌آموز در آغاز در مهارت خواندن و شنیدن نیاز به تمرین دارد و به تدریج تقویت می‌گردد. بنابراین، ملاک نمره دهی، آخرین وضعیت دانش‌آموز است؛ زیرا این مهارت به مرور تقویت می‌گردد. مهارت زبانی روخوانی، از اهداف مهم آموزش عربی است.

۲۲- در آزمون شفاهی می‌توان ترجمه امثال، حکم و احادیث را پرسید و اگر دانش‌آموز در پاسخ، مفهوم جمله را خوب بیان کرد؛ کفایت می‌کند و الزامی نیست که ترجمه دقیق باشد و رساندن مفهوم کلی کافی است. حفظ امثال و احادیث نیز هرچند کاری پسندیده و ارزشمند است؛ اما از آنجاکه امکان دارد با شیوه‌های نادرست در دانش‌آموز ایجاد زدگی کند باید با ملاحظه بسیار صورت گیرد. باید شیوه‌ای به کار برد که دانش‌آموز به حفظ حدیث علاقه مند شود. آموزش شاهد مثال از احادیث و آیات هدف والای درس عربی است که این هدف در سایه تغییر نگرش و با جلب محبت محقق می‌شود. با تکرار حکم و امثال به تدریج این عبارات ملکه ذهن دانش‌آموز می‌گردد.

۲۳- تدریس هر درس به یک جلسه اختصاص دارد و دبیر محترم در فرصت باقی مانده می‌تواند به پرسش‌های شفاهی بپردازد.

۲۴- در بسیاری از جاهای کتاب جای کافی برای نوشتن ترجمه و حل تمرین نهاده نشده تا نیازی به دفتر تمرین نباشد. اما کتاب کار در آموزش عربی لازم است؛ لذا دفتر تألیف تلاش می‌کند تا با تهیه و معرفی کتاب‌های کار مناسب، زمینه را برای تقویت امر آموزش فراهم کند. اما نداشتن کتاب کار بهتر از داشتن کتاب کاری نامناسب است.

۲۵- دو صفحه روان خوانی نیاز به ترجمه ندارد و صرفاً برای تقویت مهارت قرائت است.

۲۶- ما ایمان داریم که کار اصلی را معلم انجام می‌دهد و کتاب، تنها یک وسیله است از همکاران ارجمند درخواست داریم تا با سیاست دفتر تألیف کتاب‌های درسی همگام و همراه شوند؛ زیرا به تدریج همه کتاب‌های سال‌های آینده نیز ادامه و مکمل این کتاب خواهند بود.

در پایان، آرزوی موفقیت برای همه همکاران داریم. چنانچه تمایل دارید از نظریات شما آگاه شویم می‌توانید از طریق وبگاه گروه عربی بیغام بگذارید و وبگاه گروه عربی دفتر تألیف کتاب‌های درسی و وسیله ارتباطی خوبی میان کارشناسان دفتر تألیف و دبیرخانه کنسوری راهبری درس عربی، پایگاه کیفیت بخشی فرآیند یاددهی - یادگیری درس عربی، گروه‌های آموزشی، دبیران، استادان و همه علاقه‌مندان به زبان عربی است. اخبار مربوط به گروه درسی عربی در آن درج می‌شود. در این وبگاه، وبلاگ‌ها و وبگاه‌های ارزشمند زبان عربی لینک شده‌اند. شما می‌توانید از این وبگاه‌های مفید و ارزشمند استفاده کنید و چنانچه وبگاه یا وبلاگ مفید و فعالی دارید می‌توانید جهت استفاده دیگران به آدرس وبگاه گروه عربی ارسال نمایید.

نشانی وبگاه گروه عربی عبارت است از: www.irschtalifdept.com

همچنین برای ارتباط با مسئول تیم تألیف می‌توانید علاوه بر رایانامه دفتر تألیف، مندرج در همه کتاب‌های درسی با یکی از این دو رایانامه مکاتبه

فرمایید: adelashkbous@yahoo.com یا ashkboos12@gmail.com

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ؛

أَهْلًا وَ سَهْلًا فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ؛

كَيْفَ حَالُكُمْ؟

بِخَيْرٍ إِنْ شَاءَ اللَّهُ؟



اسم اشارہ

الْفَصْلُ الْأَوَّلُ



هذه صورة جميلة. هذا جبل جميل.

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ «١»

المُعْجَم : واژه نامه

بِلا : بدون	ذَلِكَ : آن «مذكر»	فَرِيضَةٌ : واجب ديني	مُجَالَسَةٌ : همنشینی با
بِنْتُ : دختر «جمع : بنات»	رَجُلٌ : مرد «جمع : رجال»	فِي : در، داخل	نَاجِحٌ : موفق، پیروز
تِلْكَ : آن «مؤنث»	شَجَرٌ : درخت «جمع : أشجار»	قِيَمَةٌ : ارزش، قیمت	نِسْيَانٌ : فراموشی
ثَمَرٌ : میوه	صَفٌّ : کلاس «جمع : صفوف»	كَ : مانند	وَلَدٌ : پسر، فرزند «جمع : أولاد»
جَبَلٌ : کوه	طَالِبٌ : دانش آموز، دانشجو	لَوْحَةٌ : تابلو	هَذَا : این «مذكر»
جَمِيلٌ : زیبا	«جمع : طلاب»	مَرْأَةٌ (امْرَأَةٌ) : زن	هَذِهِ : این «مؤنث»

قِيَمَةُ الْعِلْمِ

١. الْعَالِمُ بِإِلَاعَمَلٍ، كَالشَّجَرِ بِإِلَا ثَمَرٍ.
٢. حُسْنُ السُّؤَالِ، نِصْفُ الْعِلْمِ.
٣. مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ، عِبَادَةٌ.
٤. طَلَبُ الْعِلْمِ، فَرِيضَةٌ.
٥. آفَةُ الْعِلْمِ، التَّنْسِيَانُ.

ذَلِكَ تِلْكَ

هَذَا هَذِهِ



هَذِهِ الْمَرْأَةُ، شَاعِرَةٌ.
هَذِهِ الشَّاعِرَةُ، بَرُوينُ.



هَذَا الرَّجُلُ، شَاعِرٌ.
هَذَا الشَّاعِرُ، سَعْدِيُّ.



تِلْكَ الْمَرَأَةُ، طَبِيبَةٌ.
تِلْكَ الطَّبِيبَةُ، نَاجِحَةٌ.



ذَلِكَ الرَّجُلُ، طَبِيبٌ.
ذَلِكَ الطَّبِيبُ، نَاجِحٌ.



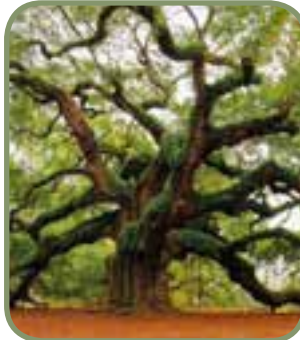
تِلْكَ، طَالِبَةٌ عَالِمَةٌ.
تِلْكَ الطَّالِبَةُ، فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ.



ذَلِكَ، طَالِبٌ عَالِمٌ.
ذَلِكَ الطَّالِبُ، فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ.



تِلْكَ اللَّوْحَةُ، جَمِيلَةٌ.



هَذِهِ الشَّجَرَةُ، عَجِيبَةٌ.



ذَلِكَ الْجَبَلُ، مُرْتَفِعٌ.

بدانیم

- هر اسمی در عربی یا مذکر است یا مؤنث.
- علامت اصلی اسم مؤنث «ة» است؛ مانند: طالِبَة. اما مذکر نشانه ندارد؛ مانند: طالِب.
- «هَذَا» و «ذَلِكَ» اسم اشاره به مذکر و «هَذِهِ» و «تِلْكَ» اسم اشاره به مؤنث هستند.
- اسم‌هایی مثل جَزِيْرَة و شَجَرَة چون علامت «ة» دارند؛ مؤنث به شمار می‌آیند.
- اسم‌هایی مانند جَبَل و كِتَاب چون «ة» ندارند؛ مذکر به شمار می‌آیند.

فَنِّ تَرْجَمَه

- این جمله را به دو صورت می‌توان ترجمه کرد. هذا عالمٌ. این دانشمندی است. این دانشمند است.
- اکنون شما این جمله را به دو صورت ترجمه کنید. هذه لَوْحَةٌ.

دو نکته

- اسم‌های حروف الفبا در عربی: الف (همزه) - باء - تاء - ثاء - جيم - حاء - خاء - دال - ذال - راء - زاء - سين - شين - صاد - ضاد - طاء - ظاء - عين - غين - فاء - قاف - كاف - لام - ميم - نون - هاء - واو - ياء
- حروف «گ، چ، پ، ژ» در عربی نوشتاری (فصیح) وجود ندارد.

التَّمارين

التَّمْرينُ الْأَوَّلُ: به فارسی ترجمه کنید.

- هَذَا الْوَلَدُ، فِي هَذِهِ الْمَدْرَسَةِ.
- هَذِهِ الْبِنْتُ، فِي تِلْكَ الْمَدْرَسَةِ.
- ذَلِكَ، طَالِبٌ نَاجِحٌ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ.
- هَذِهِ، طَالِبَةٌ نَاجِحَةٌ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ.
- ثَمَرَةٌ هَذِهِ الشَّجَرَةِ، لَدِيدَةٌ.

التَّمْرِينُ الثَّانِي : نام هر تصویر را از کلمات داده شده بیابید. (جَبَل - شَجَرَة - وُلْد - بِنْت - صَفّ)



التَّمْرِينُ الثَّالِثُ : با توجه به ترجمه، با کلمات پراکنده جمله بسازید.

۱. الرَّجُلُ، ذَلِكَ، قَوِيٌّ، كَالْجَبَلِ. آن مرد مانند کوه نیرومند است.

۲. نَاجِحَةٌ، فِي الدَّرْسِ، الْبِنْتُ، تَلُكُ. آن دختر در درس موفق است.

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ : در جای خالی، گزینه مناسب قرار دهید.

- | | | |
|--|--------------------------------------|------------------------------------|
| ۱. «سَعِيدٌ» اِسْمٌ وُلْدٍ وَ «سَعِيدَةٌ» اِسْمٌ | <input type="checkbox"/> قِيَمَةٌ | <input type="checkbox"/> بِنْتٌ |
| ۲. الْعَالِمُ كَ..... الرَّحْمَةِ وَ التَّوْرِ. | <input type="checkbox"/> جَبَلٍ | <input type="checkbox"/> نَسِيَانٍ |
| ۳. تِلْكَ الشَّجَرَةُ..... تَمَرٍ. | <input type="checkbox"/> فِي | <input type="checkbox"/> بِلَا |
| ۴. طَلَبَ الْعِلْمَ..... | <input type="checkbox"/> مُجَالَسَةً | <input type="checkbox"/> فَرِيضَةً |
| ۵. ذَلِكَ الصَّفُّ..... | <input type="checkbox"/> جَمِيلٌ | <input type="checkbox"/> نَاجِحٌ |

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ : در یک کار گروهی تحقیق کنید و سخنان زیبایی را در باره «ارزش علم» به زبان

عربی یا فارسی پیدا کنید.

الدَّرْسُ الثَّانِي «٢»

المُعْجَم : واژه نامه

أمان : امنیت

بيت : خانه

حَشَب : چوب «جمع: أَحْشَاب»

خَيْر : بهتر، بهترین

دَهْر : روزگار

ذَهَب : طلا

رَأْي : نظر

رضا : رضایت

صِحَّة : تندرستی

عَلَيْكَ : بر تو، به زیان تو

كَبِير : بزرگ

كُرْسِي : صندلی

كُل : همه، هر

كَلَام : سخن

لِ : برای «لَكَ : برایت، به سود تو»

مَجْهول : ناشناخته، گمنام

مَرْء (امْرَأً) : انسان، مرد

مَسْرور : خوشحال

مِنْ : از

نَافِذَة : پنجره

نَظِيف : پاکیزه

واحد : یک

وَرْدَة : گُل

و، ه، هـ : ش، س، او، آن

«ذَهَبِهِ : طلايش»

هاتان : این دو، اينها «مؤنث»

هذان : این دو، اينها «مذكر»

يَوْم : روز «جمع : أَيَّام»

نورُ الكَلَام

١. نَعْمَتَانِ مَجْهُولَتَانِ، الصِّحَّةُ وَ الأمانُ.

٢. رِضَا اللّهِ، فِي رِضَا الوَالِدَيْنِ.

٣. رَأْيَانِ، خَيْرٌ مِنْ رَأْيٍ وَّاحِدٍ.

٤. الدَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ.

٥. أَدَبُ المَرْءِ، خَيْرٌ مِنْ ذَهَبِهِ.

هاتان



هاتانِ البَتَانِ، نَظِيفَتَانِ.

هذان



هذانِ الوَلَدَانِ، نَظِيفَانِ.



هذانِ، كُرسِيانِ حَسْبِيانِ.



هذانِ، رَجُلانِ قَوِيانِ.



هاتانِ الوُزْدَتانِ، جَميلتانِ.



هاتانِ البِنتانِ، ناجِحَتانِ.

بدانيم

- اسم مثنى دو علامت دارد: «ان» و «دین»؛ مانند: طالبان، طالبین، طالبتان و طالبتین
- «هذان» اسم اشاره به مثنای مذکر و «هاتان» به مثنای مؤنث به معنای «این دو، اینها» هستند.

فَنِّ تَرْجَمَه

گاهی «هذان» و «هاتان»، «این» ترجمه می شوند؛ مثال:

هذانِ الزَّارِعانِ، قَوِيانِ. این کشاورزها (این دو کشاورز)، نیرومند هستند.

هاتانِ البِنتانِ، ناجِحَتانِ. این دخترها (این دو دختر)، موفق هستند.

اکنون شما این جمله ها را ترجمه کنید.

۱. هذانِ الوُلْدانِ، عاقِلانِ.

۲. هاتانِ المَرأتانِ، في الصِّحَّةِ.

یک نکته

اسم این علامت‌ها را به خاطر بسپارید.

فتحه - کسره - ضمه - سکون - تنوین

التَّمَارِينُ

التَّمْرَيْنِ الْأَوَّلُ: کدام ترجمه درست است؟

۱. هَذَا الصَّفَانِ، كَبِيرَانِ. □ این کلاس‌ها، بزرگ هستند. □ این کلاس، بزرگ است.
۲. هَاتَانِ الشَّجَرَتَانِ، بِلَا ثَمَرٍ. □ این درخت‌ها، میوه دارند. □ این درخت‌ها، بی میوه اند.

التَّمْرَيْنِ الثَّانِي: زیر هر تصویر یکی از کلمات داده شده را بنویسید. (وَلَدٌ - وَوَلَدَانِ - بِنْتُ - بَنَاتَانِ)



التَّمْرَيْنِ الثَّالِثُ: در جای خالی گزینه مناسب به کار ببرید.

۱. هَاتَانِ، مَسْرُورَتَانِ. □ الْكُؤْسِيَانِ □ الْمَرْأَتَانِ
۲. هَذَا، مُرْتَفِعَانِ. □ الْجَبَلَانِ □ الْوُؤْدَتَانِ

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ : با کلمات پراکنده با توجه به ترجمه فارسی جمله بسازید.

۱. طِفْلَتَانِ / جَمِيلَتَانِ / هَاتَانِ { اینها، کودکانی زیبا هستند. }

۲. هَذَانِ / مُتَنَازِنِ / الطَّالِبَانِ { این دانشجوها، ممتاز هستند. }

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ : ترجمه کنید.

۱. الْوَلَدُ الصَّالِحُ، فَخْرٌ لِلْوَالِدَيْنِ.

۲. لِكُلِّ صَفٍّ، نَافِذَتَانِ جَمِيلَتَانِ.

۳. قِيمَةُ الْإِنْسَانِ، بِالْعِلْمِ وَالْإِيمَانِ.

التَّمْرِينُ السَّادِسُ : در باره سخن حکیمانه «أَدَبُ الْمَرْءِ، خَيْرٌ مِنْ ذَهَبِهِ.» تحقیق کنید و معادل فارسی

آن را بیابید.

الدَّرْسُ الثَّالِثُ «٣»

المُعْجَم : واژه نامه

مِفْتَاح : كَلِيد «جمع : مِفَاتِيح»	عِدَاوَةٌ : دَشْمَنِي	حَجَرٌ : سَنَك «جمع : حِجَارَةٌ»	أَحْيَاءٌ : زَنْدِگَان «مفرد : حَيٌّ»
مَكْتَبَةٌ : كِتَابْخَانَه	عِنْدٌ : نَزْد	حَدِيقَةٌ : بَاغ «جمع : حِدَائِقُ»	أَوْسَطُهَا : مِيَانَه تَرِينِ آن
مَوْتٌ : مَرگ	فَائِزٌ : بَرَنْدَه	سَبْعِينَ : هَفْتَاد	أَوْلِيكَ : آنَان
وَاقِفٌ : اِيسْتَادَه	كَثْرٌ : گَنْج «جمع : كُنُوز»	سَنَةٌ : سَال «جمع : سَنَوَات»	بُسْتَانٌ : بَاغ «جمع : بَسَاتِين»
هَا : هَس، رَاو، رِآن	لَاعِبٌ : بَازِيكَنْ	صَدَاقَةٌ : دُوسْتِي	جَالِسٌ : نِشِسْتَه
هُوَلَاءٌ : اِينَان	مُدْرَسٌ : مَعْلَم	صِغَرٌ : خُرْدَسَالِي، كُوجَكِي	جَاهِلٌ : نَادَان

كَنْزُ الْكُنُوزِ

١. تَفَكَّرُ سَاعَةً، خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً.
٢. عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ، خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ.
٣. الْعِلْمُ فِي الصِّغَرِ، كَالنَّفْسِ فِي الْحَجَرِ.
٤. الْجَهْلُ، مَوْتُ الْأَحْيَاءِ.
٥. خَيْرُ الْأُمُورِ، أَوْسَطُهَا.

هُوَلَاءٌ ، أَوْلِيكَ



هُوَلَاءٌ، لَاعِبَاتُ إِيرَانِيَاتُ.

هُوَلَاءِ اللَّاعِبَاتُ، فَائِزَاتُ.



هُوَلَاءٌ، لَاعِبُونَ إِيرَانِيُونَ.

هُوَلَاءِ اللَّاعِبُونَ، فَائِزُونَ.



أُولئِكَ، مُجَاهِدَاتٌ.
أُولئِكَ الْمُجَاهِدَاتُ، صَابِرَاتٌ.



أُولئِكَ، مُجَاهِدُونَ.
أُولئِكَ الْمُجَاهِدُونَ، صَابِرُونَ.

🔔 بدانیم 🔔

۱. «هُؤُلَاءِ» و «أُولَئِكَ» در مذکر و مؤنث مشترک هستند.
۲. اسم مذکر با «وَنَ» یا «يَنَ» جمع بسته و «جمع مذکر سالم» نامیده می شود؛ مثال: مُعَلِّمُونَ، مُعَلِّمِينَ
۳. اسم مؤنث با «ات» جمع بسته و «جمع مؤنث سالم» نامیده می شود؛ مثال: مُعَلِّمَات
۴. جمع برخی اسم ها، مکسّر (شکسته) است. در این جمع شکل مفرد کلمه تغییر می کند؛ مثال: حَدِيقَةٌ: حَدَائِقُ مِفْتَاحٍ: مِفْتَاحِ شَجَرٍ: أَشْجَارٍ صَفٌّ: صُفُوفٍ طَالِبٌ: طُلَّابٌ رَجُلٌ: رِجَالٌ

📄 فنّ ترجمه 📄

- گاهی «هُؤُلَاءِ» را «این» و «أُولَئِكَ» را «آن» ترجمه می کنیم؛ مثال:
- هُؤُلَاءِ الْحَيَّاطُونَ، مَاهِرُونَ. این خبّاطها، ماهر هستند.
- أُولَئِكَ الْمُؤْمِنَاتُ، شَاكِرَاتٌ. آن مؤمنان، سپاسگزار هستند.
- 📄 اکنون شما این عبارت را ترجمه کنید.
- هُؤُلَاءِ الطُّلَّابُ، وَاقِفُونَ عِنْدَ الْمُدَرِّسِينَ.



التَّمْرِينُ الأوَّلُ: ترجمه کنید سپس جمع های سالم و مکسر را معلوم کنید.

۱. هَذَا اللَّاعِبُ، فَائِزٌ فِي مُسَابَقَتَيْنِ.
۲. الْكُتُبُ، بَسَائِئِنُ الْعُلَمَاءِ.
۳. هُوَ لَاءِ، طَالِبَاتٌ نَاجِحَاتٌ.
۴. أَوْلِيكَ الرَّجَالُ، جَالِسُونَ عِنْدَ النَّافِذَةِ.
۵. فِي كُتُبِ الْقِصَصِ، عَبْرٌ مُفِيدَةٌ.

التَّمْرِينُ الثَّانِي: هر کلمه را زیر تصویر مناسب آن بنویسید. (لَاعِبَةٌ - مَكْتَبَةٌ - كُرْسِيٌّ - كَنْزٌ - وَزْدَةٌ)



التَّمْرِينُ الثَّالِثُ: در جای خالی گزینه مناسب بنویسید.

۱. عَبَّاسٌ وَ هَاشِمٌ وَ مَيْمٌ، □ مَسْرُورُونَ □ مَسْرُورَاتٌ
۲. زَهْرَاءُ وَ زَيْنَبٌ وَ فَاطِمَةٌ، □ صَابِرُونَ □ صَابِرَاتٌ
۳. عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ، خَيْرٌ مِنْ □ صِدَاقَةِ □ مَجْهُولِ الْجَاهِلِ.
۴. الْعِلْمُ، □ أَمَانٌ □ خَيْرٌ مِنْ الْعِبَادَةِ.
۵. أَوْلِيكَ الْأَوْلَادِ، □ لَاعِبُونَ □ لَاعِبَاتٌ مُمْتَازُونَ.

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ : با توجه به معنا، با کلمات پراکنده جمله بسازید.

۱. مَوْفِقُونَ / الْعُلَمَاءُ / أَوْلِيَّتِكَ . آن دانشمندان، موفق هستند.

۲. هَوْلَاءِ / عَاقِلَاتٌ / طَالِبَاتٌ . اینان، دانش آموزانی خردمند هستند.

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ : زیر جمع های مکسر خط بکشید.

مَفَاتِيحُ - صَابِرُونَ - أَخْشَابُ - شَاكِرَاتُ - فَرَائِضُ - نِسْيَانُ - كُنُوزُ - وَاقْفِيْنَ - حَدَائِقُ - مَجْهُولَاتَانِ

التَّمْرِينُ السَّادِسُ : با دوستان خود مشورت کنید و بگویید منظور از این سخن حکیمانه چیست؟

عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ، خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ .














التَّمْرِينُ السَّابِعُ : در متن یکی از درس های کتاب فارسی خود، تحقیق کنید و چند جمع مکسر

بیابید.

نَظْرَةٌ إِلَى الْفَصْلِ الْأَوَّلِ

نگاهی به فصل اول

اسم مفرد، مثنی و جمع

مثال	نشانه	عدد و جنس
مهندسٌ	-----	مفرد مذکر 
مهندسةٌ	ة	مفرد مؤنث 
مهندسانِ و مهندسينِ مهندساتِ و مهندساتينِ	انِ و -ينِ	مثنی   /  
مُهَنْدِسُونَ، مُهَنْدِسِينَ	ونَ و ينَ	جمع مذکر سالم   
مُهَنْدِسَات	ات	جمع مؤنث سالم   
كُتُب	-----	جمع مكسّر 

اسم اشاره

هَذَا	مفرد مذکر نزدیک 
هَذِهِ	مفرد مؤنث نزدیک 
هَذَانِ	مثنی مذکر نزدیک  
هَاتَانِ	مثنی مؤنث نزدیک  
هَؤُلَاءِ	جمع (مذکر و مؤنث) نزدیک    /   
ذَلِكَ	مفرد مذکر دور 
تِلْكَ	مفرد مؤنث دور 
أُولَئِكَ	جمع (مذکر و مؤنث) دور    /   

كلمات پرسشی

هَلْ؟ أ؟ مَنْ؟ مَا؟ أَيْنَ؟ كَمْ؟

الْفَصْلُ الثَّانِي



أ هَذِهِ شَجَرَةُ الْعِنَبِ؟ لا: هَذِهِ شَجَرَةُ الرُّمَّانِ.

الدَّرْسُ الرَّابِعُ «٤»

المُعْجَم : واژه نامه

أ: آيا	حَقِيْبَة : كيف، چمدان «جمع: حقائب»	عَنْب : انگور	لا : نه
إِحْسَان : نيكي	رُبَّ : چه بسا	عُرْفَة : اتاق	لِسَان : زبان
إِلَّا : به جز	رُْمَان : انار	فُنْدُق : هتل	مَدِينَة : شهر «جمع: مُدُن»
بَائِع : فروشنده	سَائِق : راننده	قَرِيْب : نزديك	نَعَم : بله
بَعِيد : دور	صَلَاة : نماز	قَرْيَة : روستا	هَلْ : آيا
جَزَاء : پاداش	صَوْرَة : عكس	قَلِيل : كم	هُنَا : اينجا
جُنْدِيّ : سرباز «جمع: جُنُود»	عَمُود : ستون	كَثِير : بسيار	

جَوَاهِرُ الْكَلَامِ

١. هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ؟ رحمن ٤
٢. الْمُؤْمِنُ، قَلِيلُ الْكَلَامِ كَثِيرُ الْعَمَلِ.
٣. سُكُوتُ اللَّسَانِ سَلَامَةٌ الْإِنْسَانِ.
٤. رَبِّ كَلَامٍ، جَوَابُهُ السُّكُوتُ.
٥. الْوَقْتُ مِنَ الذَّهَبِ.

هَلْ؟ أ؟ نَعَم - لا



هَلِ الْفُنْدُقُ، بَعِيدٌ؟
لا؛ الْفُنْدُقُ، قَرِيْبٌ.



هَلْ هَذِهِ، شَجَرَةُ الرُّمَانِ؟
نَعَم؛ هَذِهِ، شَجَرَةُ الرُّمَانِ.



أ هَذِهِ، حَقِيْبَةُ الْمَدْرَسَةِ؟
لا؛ هَذِهِ، حَقِيْبَةُ السَّفَرِ.



هَلِ النَّظَافَةُ مِنَ الْإِيمَانِ؟
نَعَمْ؛ النَّظَافَةُ مِنَ الْإِيمَانِ.



أَهَذِهِ صُورَةُ جُنْدِيٍّ؟
نَعَمْ؛ هَذِهِ صُورَةُ جُنْدِيٍّ.



أَهُنَا مَدِينَةُ دِمَشَقٍ؟
لَا؛ هُنَا مَدِينَةُ الْقَاهِرَةِ.



هَلِ هُنَا، مَدِينَةُ؟
لَا؛ هُنَا، قَرْيَةٌ.



أَهَذَا، بَيْتٌ خَشَبِيٌّ؟
نَعَمْ؛ هَذَا، بَيْتٌ خَشَبِيٌّ.

بدانيم

۱- «هَلْ» و «أَ» دو کلمه پرسشی به معنای «آیا» هستند که در جواب آن‌ها «نَعَمْ» یا «لَا» می آید.

فَنِّ تَرْجَمَه

ترجمه این دو جمله تفاوت اندکی با هم دارند. آیا می توانید این تفاوت را توضیح دهید؟
هَذَا الْوَلَدُ، نَاجِحٌ. این پسر، موفق است. هَذَا، وَلَدٌ نَاجِحٌ. این، پسرِ موفق است.

اکنون شما این جمله‌ها را ترجمه کنید.

هَذَا، كَنْزٌ كَبِيرٌ. هَذَا الْكَنْزُ، كَبِيرٌ.
هَذِهِ، مُهَنْدِسَةٌ مَاهِرَةٌ. هَذِهِ الْمُهَنْدِسَةُ، مَاهِرَةٌ.

التَّمارين

التَّمْرينُ الأوَّلُ: با توجّه به تصویر به پرسش‌های زیر پاسخ کوتاه دهید. (در یک کلمه)



۳- هل هنا مدينة شيراز؟



۲- هل هذه، شجرة العنب؟



۱- أ هذا، جبل؟



۶- هل هو بائع الحفائير؟



۵- هل هذه العُرْفَةُ، مُرتَّبَةٌ؟



۴- هل هنا مدينة؟

التَّمْرينُ الثاني: ترجمه کنید.

۱. أ هذه، صورة جندي مجهول؟

۲. هل هنا أشجار العنب و الرمان؟

۳. هل في هذه المدينة، فندق؟

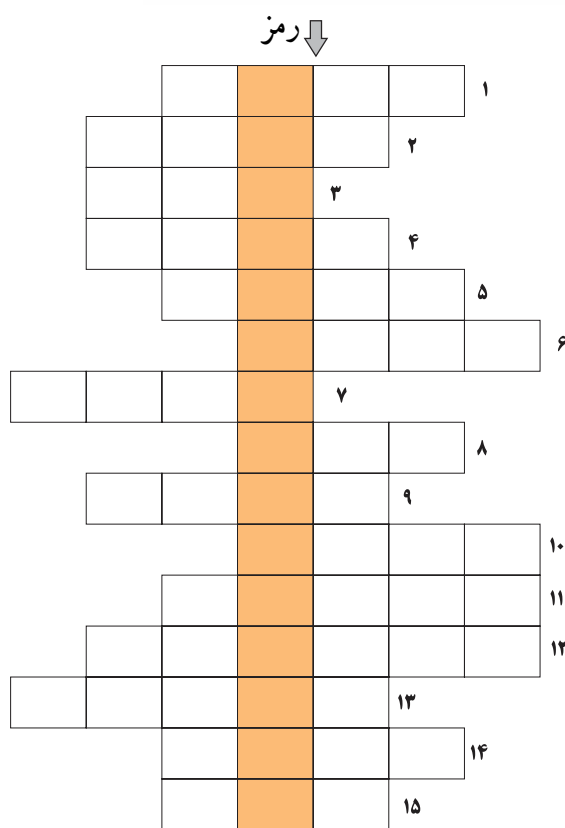
التَّمْرينُ الثالث: گزینه درست را انتخاب کنید.

۱. بِمعنى الحديقة: البستان الصّف

۲. عمود الدين: الصبر الصلاة

۳. زمان طویل: اليوم السنة

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ : باستخدامه از کلمات زیر، جدول را کامل کنید و رمز را به دست بیاورید.
 غُرْفَةُ لِسَانِ كَلَامِ يَوْمِ صِحَّةِ عَمُودِ صَلَاةِ طُلَّابِ قَرِيبِ هُنَا مُجَالَسَةِ بَعِيدِ نِسْيَانِ صَوْرَةِ عَدَاوَةِ



۱. زبان
۲. دانشجویان
۳. تندرستی
۴. سخن
۵. نماز
۶. اتاق
۷. ستون
۸. روز
۹. عکس
۱۰. دور
۱۱. فراموشی
۱۲. همنشینی
۱۳. دشمنی
۱۴. نزدیک
۱۵. اینجا



رمز :

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ : در یک کار گروهی تحقیق کنید و کاربرد سخن حکیمانه «خَيْرُ الْأُمُورِ، أَوْسَطُهَا.»

را در زندگی بنویسید. یک بیت یا مثل فارسی مشابه بیابید.

الدَّرْسُ الْخَامِسُ «٥»

المُعْجَم : واژه نامه

كاتب : نویسنده	سوء : بدی، بد	أنت : تو «مذكر»	أخت : خواهر «جمع: أَخَوَات»
لغة : زبان	سيارة : خودرو	جليس السوء : همنشین بد	أخ (أخو، أخوا، أخي) : برادر
لمن : مال چه کسی، مال چه کسانی	سيد : آقا	جوال : تلفن همراه	«جمع: إِخْوَة»
من : چه کسی، چه کسانی	سيدة : خانم	حُب : دوست داشتن	أرض : زمین
وحدة : تنهایی	صديق : دوست «جمع: أَصْدِقَاء»	حسام : شمشیر	أنا : من
هو : او «مذكر»	صغير : کوچک	حسُن العَهْد : خوش پیمانی	إن : قطعاً، واقعاً، به راستی که
هي : او «مؤنث»	ضيف : مهمان «جمع: ضُيُوف»	سما : آسمان «جمع: سَمَاوَات»	أنت : تو «مؤنث»

كُنُوزُ الْحِكْمِ

١. الْوَحْدَةُ، خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ الشُّوْءِ.
٢. إِنَّ حُسْنَ الْعَهْدِ، مِنَ الْإِيمَانِ.
٣. حُبُّ الْوَطَنِ، مِنَ الْإِيمَانِ.
٤. الْعَجَلَةُ، مِنَ الشَّيْطَانِ.
٥. رَبُّ كَلَامٍ، كَالْحُسَامِ.

مَنْ؟ لِمَنْ؟



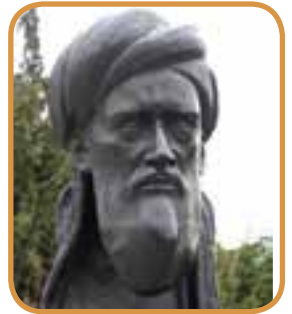
مَنْ هَذِهِ الْمَرْأَةُ؟
هي مُجَاهِدَةٌ.



مَنْ هَذَا الْعَالِمُ؟
هو أَبُو رِيحَانِ الْبَيْرُونِيِّ.



مَنْ هِيَ؟
هي عَالِمَةٌ إِيرَانِيَّةٌ.



مَنْ هُوَ؟
هو زَكَرِيَّا الرَّازِيُّ.



مَنْ أَنْتِ؟
أنا مُدِيرَةُ الْمَكْتَبَةِ.



مَنْ أَنْتَ؟
أنا مُدِيرُ الْمَكْتَبَةِ.



لِمَنْ، تِلْكَ السَّيَّارَةُ؟
لِمُدِيرِ الْمَدْرَسَةِ.



لِمَنْ، هَذِهِ الْحَقِيبَةُ؟
لِمَرِيَمَ.

بدانيم

۱. کلمه پرسشی «مَنْ» به معنای «چه کسی» یا «چه کسانی» است. مثال:

- مَنْ أَنْتَ؟ - أنا مُدِيرُ الْفُنْدُقِ.

- مَنْ هُوَ لَآءِ؟ - هُوَ لَآءِ لَاعِبُونَ فَائِزُونَ.

۲. «مَنْ هُوَ» برای مذکر و «مَنْ هِيَ» برای مؤنث است؛ مثال:

- مَنْ هُوَ أَسْتَاذُ اللُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ؟ - السَّيِّدُ أَكْبَرِي.

- مَنْ هِيَ أَسْتَاذَةُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ؟ - السَّيِّدَةُ شَفِيعِي.

فَنِّ تَرْجَمِه

۱. «مَنْ» به صورت «مَنْ هُوَ» و «مَنْ هِيَ» نیز می آید؛ اما «هُوَ» و «هِيَ» در آنها ترجمه نمی شود.

۲. «لِمَنْ»: مالِ چه کسی، مالِ چه کسانی

- لِمَنْ، هَذِهِ السَّيَّارَاتُ؟ - لِلضُّيُوفِ.

التَّمارين

التَّمرينُ الأوَّلُ: پاسخ هر پرسش کدام است؟



٣- مَنْ هُوَ؟

هُوَ شاعِرٌ إيرانيٌّ. نَعَمْ؛ هُوَ شاعِرٌ.



٢- مَنْ هَذِهِ الْمَرْأَةُ؟

هِيَ كاتِبَةٌ. هُوَ كاتِبٌ.



١- مَنْ هَذَا الرَّجُلُ؟

هُوَ مُدَرِّسٌ. هُوَ تاجِرٌ.



٥- لِمَنْ هَذَا الْمَرَقَدُ؟

لِمَوْلانا جلال الدين الزومي. هَذَا جلال الدين الزومي.



٤- مَنْ هِيَ؟

هِيَ لاعِبَةٌ قَوِيَّةٌ. هِيَ جُنْدِيَّةٌ شُجاعَةٌ.

التَّمرينُ الثاني: ترجمه كنيد.

١. ﴿مَنْ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ الرعد/١٦

٢. لِمَنْ ذَلِكَ الْجَوَالُ الْجَمِيلُ؟ لِلسَّيِّدِ أَخلاقِي.

٣. مَنْ هَذِهِ الْبِنْتُ الصَّغِيرَةُ؟ - هِيَ أُخْتُ سينا.

٤. مَنْ فِي الْعُرْفَةِ؟ - الصُّيُوفُ فِي الْعُرْفَةِ.

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ : گزینۀ مناسب را انتخاب کنید.

- | | | |
|---------------------------------|-------------------------------|-------------------------------|
| □ أنا صَدِيقُ زَيْنَب. | □ أَنَا صَدِيقُ زَيْنَب. | □ ١. مَنْ أَنْتِ يَا بِنْتُ؟ |
| □ الْقَلَمُ هُنَا. | □ لَيْتَكَ الطَّالِبَةِ. | □ ٢. لِمَنْ هَذَا الْقَلَمُ؟ |
| □ هِيَ سَائِقَةُ السَّيَّارَةِ. | □ هُوَ سَائِقُ السَّيَّارَةِ. | □ ٣. مَنْ ذَلِكَ الرَّجُلُ؟ |
| □ هُوَ أَخُو ثُرَيَّا. | □ هِيَ أُخْتُ ثُرَيَّا. | □ ٤. مَنْ تِلْكَ الْبِنْتُ؟ |
| □ طَالِبَةٌ عَزِيزَةٌ | □ طَالِبٌ عَزِيزٌ | □ ٥. أَنْتِ يَا وَلَدٌ. |

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ : به پرسش های زیر پاسخ کوتاه دهید. (در یک یا دو کلمه)

- ١. مَنْ هُوَ مُدِيرُ الْمَدْرَسَةِ؟ (مَنْ هِيَ مُدِيرَةُ الْمَدْرَسَةِ؟)
- ٢. هَلِ الْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ السَّوْءِ؟
- ٣. مَنْ أَنْتِ؟ (مَنْ أَنْتِ؟)
- ٤. مَنْ خَالِقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ؟
- ٥. مَنْ هُوَ مُدْرِسُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ؟ (مَنْ هِيَ مُدْرِسَةُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ؟)

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ : منظور از سخن حکیمانه «رُبَّ كَلَامٍ كَالْحُسَامِ» چیست؟ آیا می توانید یک نمونه در

تاریخ برای آن بیابید؛ یا مثل و شعری در زبان فارسی بنویسید که در باره سخن گفتن و تأثیر و جایگاه آن باشد؟

.....

.....

.....

الدَّرْسُ السَّادِسُ «٦»

المُعْجَم : واژه نامه

أَفْضَلُ : برتر، برترین أُمٌّ : مادر «جمع: أمّهات» أَنْفَعُهُمْ : سودمندترینشان حَوْلُ : اطراف دَوْرَانُ : چرخیدن رَخِيصَةٌ : ارزان	شَارِعٌ : خیابان عَبْدٌ : بنده عَيْشٌ : زندگی غَالِيَةٌ : گران فَاعِلُهُ : انجام دهنده اش مَا : چه، چه چیز، چیست	مَاذَا : چه، چه چیز مُدَارَاةٌ : مدارا کردن مِنْصَدَةٌ : میز نَاسٌ : مردم نِسَاءٌ : زنان هُ : او، تش، آن	هُمْ : ایشان، - آنان «جمع مذکر» سِي : هم، - من «أُمِّي : مادرم» يَسَارٌ : چپ يَمِينٌ : راست الْيَوْمَ : امروز
--	---	---	---

كَثْرُ النَّصِيحَةِ

١. أَفْضَلُ النَّاسِ، أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ.
٢. الْخَيْرُ كَثِيرٌ وَفَاعِلُهُ قَلِيلٌ.
٣. الْإِنْسَانُ، عَبْدُ الْإِحْسَانِ.
٤. بَلَاءُ الْإِنْسَانِ، فِي لِسَانِهِ.
٥. سَلَامَةُ الْعَيْشِ، فِي الْمُدَارَاةِ.

ما ؟



ما مَعْنَى هَذِهِ الْعَلَامَةِ؟
الدَّوْرَانُ إِلَى الْيَسَارِ مَمْنُوعٌ.



ما مَعْنَى هَذِهِ الْعَلَامَةِ؟
الدَّوْرَانُ إِلَى الْيَمِينِ مَمْنُوعٌ.



ما هَذِهِ؟
هَذِهِ، هَدِيَّةٌ لِأُمِّي.



ما هَذَا؟
هَذَا، مِفْتَاحُ الْبَيْتِ.



ماذا في تلك العُرْفَةِ؟
الكُرْسِيُّ وَ الْمِنْضَدَةُ.



ما قِيمَةُ الذَّهَبِ الْيَوْمَ؟
قِيمَتُهُ غَالِيَةٌ.



ما اسْمُ هذا الشَّارِعِ؟
اسْمُهُ آزادي.

بدانيم

كلمة پرسشی «ما» به شکل «**ماذا**، **ما هو**، **ما هي**» نیز به کار می رود؛ مثال :
- ماذا في الصَّوْرَةِ؟ - ما هو المَوْضوعُ؟ - ما هي الحَقِيقَةُ؟
«ما هو» برای پرسش از مذکر و «ما هي» برای پرسش از مؤنث است؛ مثال :
ما هو السُّؤالُ؟ ما هي المسأَلَةُ؟

فَنِّ ترجمه

۱. «هو» و «هي» در «ما هو» و «ما هي» ترجمه نمی شود و آوردن آن اختیاری است؛ مثال :
ما هو المُشْكِلُ؟ = ما المُشْكِلُ؟ ما هي القَضِيَّةُ؟ = ما القَضِيَّةُ؟
این جمله را ترجمه کنید. سپس به آن پاسخ کوتاه دهید.
ما هي اللُّغَةُ الرَّسْمِيَّةُ في إيران؟

التَّمارين

التَّمرينُ الأوَّلُ: به پرسش‌های زیر پاسخ کوتاه دهید. (در یک کلمه)



۳- ماذا عَلَى الْمُنْصَدَةِ؟



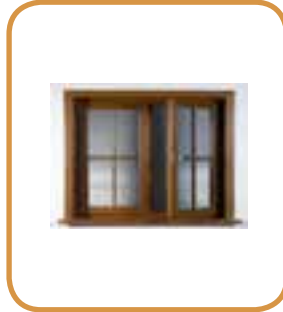
۲- ما هَذِهِ؟



۱- ما هَذَا؟



۶- ما هُوَ حَوْلَ الْكُرْسِيِّ؟



۵- ما تِلْكَ؟



۴- ما ذَلِكَ؟

التَّمرينُ الثَّاني: ترجمه کنید.

۱. ما هاتانِ؟ - هاتانِ، هَدِيَّتَانِ غَالِيَتانِ.

۲. ما هَذِهِ؟ - هَذِهِ، جَائِزَةٌ ذَهَبِيَّةٌ لِلْفَائِزِ الْأَوَّلِ.

۳. ماذا فِي تِلْكَ السَّيَّارَةِ الْكَبِيرَةِ؟ - حَقَائِبُ الْمُسَافِرِينَ.

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ : متضادّ كلمات زیر کدام است؟

(حُسْن - رَخِيصَة - كَثِير - شَرّ - جَالِس - جَمَاعَة - بَعِيد)

قَرِيب # قَلِيل # وَخْدَة # واقِف #
حَيْر # سَوء # غَالِيَة #

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ : معادل مؤنث هر کلمه را از میان کلمات زیر پیدا کنید و بنویسید.

(البِنْت - البَنَات - المَرْأَة - النِّسَاء - هَذِهِ - أَنْتِ - هِيَ - الأُخْت - هَاتَانِ - تِلْكَ)

الرَّجُل : الوَلَد : الرِّجَال : الأَوْلَاد : أَنْتَ :
هَذَا : ذَلِكَ : هَذَانِ : الأَخ : هُوَ :

التَّمْرِينُ الخَامِسُ : در جای خالی گزینه مناسب قرار دهید. سپس جمله را ترجمه کنید.

۱. حَيْرُ النَّاسِ، النَّاسِ. أَنْفَعُ صَغِيرٌ
۲. عَدَدُ المُسَافِرِينَ فِي الفُنْدُقِ، قَرِيبٌ كَثِيرٌ
۳. الإِنْسَانُ، الإِحْسَانِ. عَيْشٌ عَبْدٌ
۴. قِيَمَةُ الإِنْسَانِ، بِ..... عَقْلِهِ سِنِّهِ
۵. حُسْنُ العَهْدِ، عَلَائِمِ الإِيمَانِ. مِنْ مَن

التَّمْرِينُ السَّادِسُ : تحقیق کنید و ضرب المثلی معادل «بلاء الإنسان» في لسانیه. در زبان فارسی

بیابید.

الدَّرْسُ السَّابِعُ «٧»

المُعْجَم : واژه نامه

مَعَ : با، همراه	عَلَى : روی، بر	تَحْتَ : زیر	أَفْدَام : پاها «مفرد : قَدَم»
مِنْ أَيْنَ : اهل كجا، از كجا	عَلَيْكَ بِـ : بر تو لازم است كه، تو بايد	جَنْبٌ : کنار	أَمَامَ : روبرو
وَرَاءَ : پشت	فَوْقَ : بالا، روی	حُسْنُ الخُلُقِ : خوش اخلاقی	أَيْنَ : كجا
هُنَاكَ : آنجا	قَرِيبٌ مِنْ : نزدیک به	خَلْفَ : پشت	باب : در
يَدَ : دست	قَمَرٌ : ماه	سَفِينَةٌ : کشتی	بَقَرَةٌ : گاو ماده

الحِكْمُ النَّافِعَةُ

١. الأَعْمَالُ بِالتَّيَاتِ.

٢. عَلَيْكَ بِمُدَارَاةِ النَّاسِ.

٣. حُسْنُ الخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ.

٤. الْجَنَّةُ تَحْتَ أَفْدَامِ الأُمَّهَاتِ.

٥. يَدُ اللّهِ مَعَ الجَمَاعَةِ.

أَيْنَ؟



أَيْنَ الرَّجُلُ؟
تَحْتَ السَّيَّارَةِ.



أَيْنَ السَّفِينَةُ؟
فِي الخَلِيجِ الفَارِسِيِّ.



أَيْنَ الوَلَدُ؟
خَلْفَ البَابِ.



أَيْنَ الْحِجَارَةِ؟
بَيْنَ الشَّجَرَتَيْنِ.



أَيْنَ الْبَيْتِ؟
فَوْقَ الشَّجَرَةِ.



أَيْنَ الْبَيْتَانِ؟
أَمَامَ الْمَكْتَبَةِ.



أَيْنَ السَّيَّارَةِ؟
وَرَاءَ الْبَيْتِ.



أَيْنَ الْحَقِيبَةِ؟
عِنْدَ ذَلِكَ الرَّجُلِ.



أَيْنَ جَبَلِ بَيْسْتُونِ؟
فِي مَغْرِبِ إِيرَانَ.

🔔 بدانیم 🔔

در پاسخ به «أَيْنَ» از چنین کلماتی استفاده می کنیم.

فَوْقَ، تَحْتَ، أَمَامَ، خَلْفَ (وَرَاءَ)، جَنْبَ، عِنْدَ، حَوْلَ، بَيْنَ، فِي، عَلَى، عَلَى الْيَمِينِ، عَلَى الْيَسَارِ، هُنَا، هُنَاكَ

📖 فنّ ترجمه 📖

۱. برای اینکه از کسی پرسیم «شما اهل کجا هستید؟» از اصطلاح «مِنْ أَيْنَ؟» استفاده می کنیم؛ مثال:



أنا مِنْ مِصرَ. (أنا مِصرِيَّةٌ.)



أنا مِنْ مِصرَ. (أنا مِصرِيٌّ.)

– مِنْ أَيْنَ أَنْتِ؟

– مِنْ أَيْنَ أَنْتِ؟

اکنون به یکی از دو پرسش زیر پاسخ دهید.

من أين أنت؟ - - من أين أنت؟ -



۲. اصطلاح «عَلَيْكَ بِ» به معنای «بر تو لازم است که، تو باید» است؛ مثال:

عَلَيْكَ بِالْخُرُوجِ. = بر تو لازم است که خارج شوی. تو باید خارج شوی.

عَلَيْكَ بِالصَّبْرِ. = بر تو لازم است که صبر کنی. تو باید صبر کنی.

ترجمه این جمله چیست؟ عَلَيْكَ بِالشُّكْرِ.

التَّمارين

التَّمرينُ الأوَّلُ: با توجه به تصویر به پرسش‌های زیر پاسخ کوتاه دهید.



١- أَيْنَ الْوَلَدُ؟

٢- أَيْنَ السَّيَّارَةُ؟

٣- أَيْنَ الْبَيْتُ؟

٤- أَيْنَ الرَّجُلُ؟

٥- أَيْنَ الْبَقْرَةُ؟

٦- أَيْنَ الْمَرْأَةُ؟

٧- هَلْ هُنَا قَرِيبٌ مِنْ مَدِينَةٍ؟

٨- هَلْ هَذِهِ مَدِينَةٌ كَبِيرَةٌ؟

٩- مَاذَا عَلَى السَّيَّارَةِ؟

التَّمْرِينُ الثَّانِي: با توجه به تصویر به پرسش‌های زیر پاسخ کوتاه دهید. (در یک کلمه)



أَيْنَ الْبَيْتَانِ؟



أَيْنَ الطَّالِبَاتُ؟



أَيْنَ الْبَقْرَةُ؟

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: ترجمه کنید.

١- أَيْنَ الْمَكْتَبَةُ؟

- عَلَى الْيَمِينِ.

٢- أَيْنَ الْبُسْتَانُ؟

- عَلَى الْيَسَارِ.

٣- أَيْنَ جَوَالِي؟

- فَوْقَ الْمُنْصَدَةِ.

٤- أَيْنَ مَدِينَةُ بَدْرَةَ؟

- قَرِيبَةً مِنْ إِيْلَامِ.

٥- أَيْنَ حَقِيبَتِي؟

- هُنَا جَنْبَ النَّافِذَةِ.

٦- أَيْنَ الْمِفْتَاحُ؟

- هُنَاكَ عَلَى الْبَابِ.

٧- مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟

- أَنَا مِنَ الْيَمَنِ.

الدَّرْسُ الثَّامِنُ «٨»

المُعْجَم : واژه نامه

مُصْحَفٍ : قرآن	خَمْسَةَ : پنج	بَحْرٍ : دریا	إِثْنَا عَشَرَ : دوازده
نَارٍ : آتش	سَبْعَةَ : هفت	بِدَايَةَ : شروع	إِثْنَانٍ : دو
نَظَرَ : نگاه	سِتَّةَ : شش	تِسْعَةَ : نه	أَحَدَ عَشَرَ : یازده
وَجَعٍ : درد	شَهْرٍ : ماه «جمع : شهور»	ثَلَاثَةَ : سه (ثلاثة أشياء : سه چیز)	أَرْبَعَةَ : چهار (أربعة قليلها
وَجْهٍ : چهره	عَشْرَةَ : ده	ثَمَانِيَةَ : هشت	كثيرٌ : چهار چیز اندكش زیاد است)
هَا : شش، او، آن	كَمْ : چند، چقدر	حَسَنَةً : خوبی	أُسْبُوعٍ : هفته

المَوَاعِظُ العَدَدِيَّةُ

١. النَّظْرُ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ، عِبَادَةٌ: «النَّظْرُ فِي الْمُصْحَفِ» وَ «النَّظْرُ فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ» وَ «النَّظْرُ فِي الْبَحْرِ».

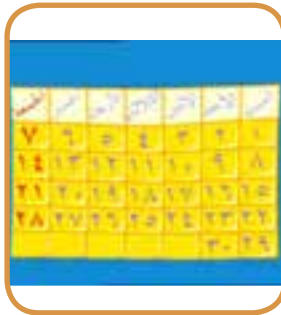
٢. أَرْبَعَةٌ قَلِيلُهَا كَثِيرٌ: «الْفَقْرُ وَ الْوَجَعُ وَ الْعِدَاوَةُ وَ النَّارُ».

٣. خَمْسَةُ أَشْيَاءَ، حَسَنَةٌ فِي النَّاسِ: «الْعِلْمُ وَ الْعَدْلُ وَ السَّخَاوَةُ وَ الصَّبْرُ وَ الْحَيَاءُ».

كَمْ؟



كَمْ طِفْلاً جَنَّبَ الْبَابَ؟
ثَلَاثَةٌ.



كَمْ عَدَدُ أَيَّامِ الْأُسْبُوعِ؟
سَبْعَةٌ.



كَمْ «قُلْ» فِي بَدَايَةِ هَذِهِ السُّورَةِ؟
أَرْبَعَةٌ.



كَمْ لَاعِبًا فِي الصُّورَةِ؟
سِتَّةٌ.



كَمْ كِتَابًا هُنَا؟
ثَمَانِيَةٌ.



كَمْ عَدَدُ الْمَفَاتِيحِ؟
خَمْسَةٌ.

بدانيم

عددهای اصلی :

- ۱- واحد ۲- اثنان ۳- ثلاثة ۴- أربعة ۵- خمسة ۶- ستة
۷- سبعة ۸- ثمانية ۹- تسعة ۱۰- عشرة ۱۱- أحد عشر ۱۲- اثناعشر

۱. گاهی ظاهرِ عددهای بالا تغییراتی دارد که دانستنِ علتِ آنها **فعالاً ضرورت ندارد**.

مثلاً گاهی حرف «ة» در **ثلاثة** تا **عشرة** حذف می شود (ثلاث، أربع، خمس)

۲. کلمهٔ پرسشی «**كَمْ**» به معنای «چند» است؛ مثال : كَمْ شَخْصًا جَنَّبَ الْبَحْرِ؟ - عَشْرَةُ أَشْخَاصٍ.

التَّمارين

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ : در جاهای خالی عددهای مناسب بنویسید.

واحد - - ثلاثة - أربعة - خمسة - - سبعة - ثمانية - - عشرة - أحد عشر -

التَّمْرِينُ الثَّانِي : گزینه درست کدام است؟

۱. كَمْ عَدَدُ شُهُورِ السَّنَةِ؟ ثلاثة اثناعشر
۲. كَمْ أُسْبُوعًا فِي الشَّهْرِ؟ عشرة أربعة
۳. كَمْ صَفًّا فِي الْمَرْحَلَةِ الْإِبْتِدَائِيَّةِ؟ ستة اثنان

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ : ترجمه کنید.

۱. كَمْ يَوْمًا أَنْتَ فِي السَّفَرِ؟ - تَقْرِيبًا تِسْعَةُ أَيَّامٍ.

۲. كَمْ كِيلُومِتْرًا مِنْ هُنَا إِلَى الْفُنْدُقِ؟ - أَحَدَ عَشَرَ كِيلُومِتْرًا.

۳. كَمْ شَجَرَةً بُرْتُعَالٍ فِي هَذِهِ الْحَدِيقَةِ؟ - فِيهَا سَجَرَتَانِ.

نَظْرَةٌ إِلَى الْفَصْلِ الثَّانِي (نگاهی به فصل دوم)

کلمات پرسشی		
کلمه پرسشی	معنی	مثال
أَ، هَلْ	آیا	هَلْ هَذَا جُنْدِيٌّ؟ (أَ هَذَا جُنْدِيٌّ؟) نعم هذا جنديٌّ. لا؛ هذا طالبٌ.
مَنْ	چه کسی، کیست، چه کسانی	مَنْ هُوَ؟ هُوَ، مُدِيرُ الْمَدْرَسَةِ.
لِمَنْ	مالِ چه کسی	لِمَنْ، هَذِهِ الْحَقِيبَةُ؟ هَذِهِ الْحَقِيبَةُ، لِصَدِيقِي.
مَا	چیست، چه چیزی	مَا ذَلِكَ؟ ذَلِكَ قَلَمٌ.
أَيْنَ	کجا	أَيْنَ الْحَدِيقَةُ؟ الْحَدِيقَةُ خَلْفَ الْفُنْدُقِ.
كَمْ	چند	كَمْ طَالِبًا فِي الصَّفِّ؟ عَشْرَةٌ طُلَّابٌ.

ضمير

الْفَصْلُ الثَّالِثُ



مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ - أَنَا مِنْ إِيرَانَ.

مَا اسْمُكَ؟ - اسْمِي حَمِيدٌ.

الدَّرْسُ التَّاسِعُ «٩»

المُعْجَم : واژه نامه

أَب (أبو، أبا، أبي) : پدر	جَدّ : پدر بزرگ	فِي أَمَانِ اللَّهِ : خدا حافظ	نَحْنُ : ما
أُسْرَةٌ : خانواده	جَدَّةٌ : مادر بزرگ	كَيْفَ : چگونه	هُمُ : آنان، ایشان «جمع مذکر»
إِلَى اللَّقَاءِ : به امید دیدار	حِوَارٍ : گفت و گو	كِيمِيَاءٍ : شیمی	هُمَا : آن دو
أَنْتُمْ : شما «جمع مذکر»	سَيَاحٍ : جهانگرد	لَكَ : ت، تو «حالتك: حال تو»	هُنَّ : آنان، ایشان «جمع مؤنث»
أَنْتُمْ : شما «مثنی»	صَبَاحَ الْخَيْرِ، صَبَاحَ النَّوْرِ :	مَعَ السَّلَامَةِ : به سلامت	
أَنْتُنَّ : شما «جمع مؤنث»	صبح به خیر	نَجْمٍ : ستاره «جمع: نُجُوم»	

ضمیر منفصل

حِوَارٌ بَيْنَ وَلَدَيْنِ

- سَمِيرُ** : السَّلَامُ عَلَيْكَ .
- حمید** : وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ .
- صَبَاحَ الْخَيْرِ .
 - كَيْفَ حَالُكَ؟
 - أَنَا بِخَيْرٍ . مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟
 - أَنَا مِنَ الْعِرَاقِ . هَلْ أَنْتَ مِنْ مَشْهَدٍ؟
 - وَأَنَا مِنَ الْبَصْرَةِ فِي جَنُوبِ الْعِرَاقِ .
 - إِسْمِي سَمِيرٌ وَ مَا اسْمُكَ؟
 - أَيْنَ أَسْرْتُكَ؟
 - مَنْ هَذَا الْوَلَدُ؟
 - مَا اسْمُهُ؟
 - أَنَا مِنْ إِيرَانَ وَ مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟
 - لَا . أَنَا مِنْ مَازَنْدَرَانَ فِي شَمَالِ إِيرَانَ .
 - مَا اسْمُكَ؟
 - إِسْمِي حَمِيدٌ .
 - هُمْ جَالِسُونَ هُنَاكَ .
 - ذَلِكَ أَبِي وَ تِلْكَ أُمِّي .
 - ذَلِكَ جَدِّي وَ تِلْكَ جَدَّتِي .
 - هُوَ أَخِي .
 - إِسْمُهُ جَعْفَرٌ .
 - فِي أَمَانِ اللَّهِ .

بدانیم

ضمیر

ضمیر کلمه ای است که به جای اسم می آید تا از تکرار آن جلوگیری کند.
ضمیرها در هر دو زبان فارسی و عربی به صورت مُنْفَصِل و مُتَّصِل (جدا و پیوسته) هستند.
ضمیرهای منفصل (جدا) در فارسی و عربی را با هم مقایسه کنید.

	فارسی	عربی
	من	أَنَا
	تو	أَنْتَ
	او	هُوَ
	ما	نَحْنُ
شما	أَنْتُمْ	أَنْتُمْ
ایشان	هُم	هُنَّ

فَنِّ ترجمه

دو ضمیر «هُوَ» و «هِيَ» می توانند برای غیر انسان نیز به کار بروند و به معنای «آن» هستند؛ مثال:

ما هو؟ - هو جَوَالٌ.

ما هي؟ - هي شَجَرَةُ الرُّمَّانِ.

اکنون شما این جمله ها را ترجمه کنید.

ما هو؟ - هو كُرْسِيٌّ حَشْبِيٌّ.

ما هي؟ - هي مِئْذَنَةٌ حَشْبِيَّةٌ.

التَّمارين

التَّمْرينُ الأوَّلُ: جملة های زیر را ترجمه کنید، سپس زیر ضمیرها خط بکشید.



أنتِ كاتِبَةُ القِصصِ الجَميلةِ.



أنتَ طَبيبٌ مَعروفٌ.



أنا عالِمَةٌ إيرانيَّةٌ في
عِلْمِ النُّجومِ.



أنا عالِمٌ إيرانيٌّ في
عِلْمِ الكِيمياءِ.



هي مُترجمَةُ القرآنِ.



هو مُعلِّمٌ شهيدٌ.

التَّمْرينُ الثاني: هر يك از اين جمله ها را زیر تصوير مناسب آن بنويسيد.

نَحْنُ صَدِيقَتانِ مُخْلِصَتانِ.

نَحْنُ لَاعِبَاتُ فائِزاتُ.

نَحْنُ صَدِيقانِ مُخْلِصانِ.

نَحْنُ لَاعِبونَ فائِزونَ.



التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ : جاهای خالی را با کلمات «جُنود، طالبات، مُجاهِدانِ و طالبَتان» پر کنید.



أنتما ناجِحَتانِ.



أنتما مِنْ تَبْرِيزِ.



أنتنَّ ناجِحَاتُ.



أنتم ناجِحونَ.

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ : گزینۀ مناسب را انتخاب کنید.



هُنَّ : فائِزُونَ □ فائِزَاتُ □



هُمُ زُؤارٌ □ زائِرِينَ □



هُما : فائِزَاتُ □ فائِرَتانِ □



هُما : سَيّاحانِ □ سَيّاحَتانِ □

التَّمْرِينُ الخامِسُ : در جای خالی گزینۀ مناسب قرار دهید.

۱. مِنْ أنتم؟ - مِنْ خُراسان. □ أَيْنَ □ ما □
۲. مِنْ أَيْنَ أنتنَّ؟ مِنْ زاهدان. □ أَنَا □ نَحْنُ □
۳. مَنْ ذلِكَ الرَّجُلُ؟ - أَبِي. □ هُوَ □ هِيَ □
۴. مَنْ أنتِ؟ - أَنَا ذلِكَ الصَّفِّ. □ طالِبَةٌ □ طالِبٌ □

الدَّرْسُ الْعَاشِرُ «١٠»

المُعْجَم : واژه نامه

أَحَبُّ : محبوب تر	تَعَارُفٌ : آشنایی	كُفْمٌ : یتان، - شما «جمع مذکر»	نِهَایَةِ : پایان
إِعْتِكَافٌ : گوشه نشینی طولانی	تَعَالَى : بلند مرتبه	كُمَا : یتان، - شما «مثنی»	هـ ← هُ : شش، - او
در جایی مقدس مانند مسجد شهر	جُلُوسٌ : نشستن	كُنَّ : یتان، - شما «جمع مؤنث»	هُمٌ : ایشان، - آنان «جمع مذکر»
برای عبادت	طَوَافٌ حَوْلَ الْبَيْتِ : طواف حوله بیت	لِكِ : ت، - تو «مؤنث»	هُمَا : شما، - آن دو، - آنان «مثنی»
أَلْفٌ : هزار	چرخیدن دور کعبه	نَا : یمان، - ما	هُنَّ : ایشان، - آنان «جمع مؤنث»

مَقَامُ الْعَالِمِ

جُلُوسٌ سَاعَةً عِنْدَ الْعُلَمَاءِ، أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ عِبَادَةِ أَلْفِ سَنَةٍ وَ النَّظَرُ إِلَى الْعَالِمِ، أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ اِعْتِكَافِ سَنَةٍ فِي بَيْتِ اللَّهِ وَ زِيَارَةَ الْعُلَمَاءِ، أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ سَبْعِينَ طَوَافًا حَوْلَ الْبَيْتِ.



ضمير متصل

التَّعَارُفُ

١. مَا اسْمُكَ؟ - اِسْمِي حَسَنٌ.
٢. مَنْ هُوَ مُدَرِّسُكَ؟ - هُوَ السَّيِّدُ شُجَاعِي.
٣. مَا اسْمُكَ؟ - اِسْمِي آسِيَةُ.
٤. مَنْ هِيَ مُدَرِّسَتُكَ؟ - هِيَ السَّيِّدَةُ اَنْصَارِيَّ.
٥. اَيْنَ يَبْتِكُمَا؟ - يَبْتُنَا فِي نِهَایَةِ هَذَا الشَّارِعِ.

در این درس با ضمیر متصل آشنا می شوید .

این ضمایر را متصل نامیده اند؛ زیرا به آخر کلمه می پیوندند؛ مثال : مِنْهُ، كِتَابُهَا، أَخُوكُمْ

		عربی	فارسی
		ي	م
ك	كِ	كَ	ت
ها	هَا	هُ	ش
		نا	مان
كُمَا	كُمَا	كُم	تان
هُمَا	هُمَا	هُم	یشان

گاهی ضمیرهای (هُ، هُما، هُم، هُنَّ) به صورت (هِ، هِما، هِمْ، هِنَّ) می آید؛ مانند : فیه، دفتره

فَنِّ ترجمه

۱. ضمیر متصل عربی را به دو شکل می توان معنا کرد؛ مانند :

(هذا أَخِي) : «این برادرم است.» ؛ «این برادرِ من است.»

اکنون شما این جمله ها را به دو صورت معنا کنید.

تِلْكَ الْمَرْأَةُ أُمُّهَا.

.....

ذَلِكَ الرَّجُلُ أَبُوكَ.

.....

التَّمارين

التَّمرينُ الأوَّلُ : جمله‌های زیر را ترجمه کنید؛ سپس زیر ضمیرهای متصل خط بکشید.

۱. أَنْتِ نَاجِحٌ وَ هَذِهِ هَدْيُكَ .

۲. أَنْتِ نَاجِحَةٌ وَ هَذِهِ هَدْيُكَ .

۳. أَوْلِيكَ أَصْدِقَاؤُنَا . هُمْ جَالِسُونَ .

۴. هُنَّ وَاقِفَاتٌ جَنَّبَ بَنَاتِهِنَّ .

التَّمرينُ الثَّاني : جای خالی را با ضمیر منفصل کامل کنید.

(هو، هي، هم، هن، هما، أنت، أنتِ، أنتم، أنن، أننما، أنا، نحن)

 واقِفَةٌ واقِفٌ	من ایستاده‌ام	
 واقِفَةٌ واقِفٌ	تو ایستاده‌ای	
 واقِفَةٌ واقِفٌ	او ایستاده است	
..... واقِفَتَانِ واقِفَانِ واقِفَاتٌ واقِفُونَ	ما ایستاده‌ایم
..... واقِفَتَانِ واقِفَانِ واقِفَاتٌ واقِفُونَ	شما ایستاده‌اید
..... واقِفَتَانِ واقِفَانِ واقِفَاتٌ واقِفُونَ	ایشان ایستاده‌اند

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ: جای خالی را با ضمیر متصل کامل کنید.

(هُ، هَا، هُمْ، هُنَّ، هُمَا، كَ، كِ، كُمْ، كُنَّ، كَمَا، ي، نَا)

		عُرِفْتُ.....	اتاقم
	عُرِفْتُ.....	عُرِفْتُ.....	اتاقت
	عُرِفْتُ.....	عُرِفْتُ.....	اتاقش
عُرِفْتُ..... / عُرِفْتُ.....	عُرِفْتُ.....	عُرِفْتُ.....	اتاقمان
عُرِفْتُ..... / عُرِفْتُ.....	عُرِفْتُ.....	عُرِفْتُ.....	اتاقتان
عُرِفْتُ..... / عُرِفْتُ.....	عُرِفْتُ.....	عُرِفْتُ.....	اتاقشان

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: در جای خالی از گزینه مناسب استفاده کنید.

۱. ما هُوَ شُغْلُكَ؟ - مُدَرِّسُ الكِيمِيَاءِ. أَنَا هُمْ
۲. مَن تِلْكَ الْمَرْأَةُ؟ - هِيَ..... النُّجُومِ. عَالِمٌ عَالِمَةٌ
۳. عَلَيْكَ بِ..... أُمَامِ الْوَالِدِينَ بِاحْتِرَامٍ. الْجُلُوسِ الْوَجَعِ
۴. مَقَامُ الْعَالِمِ..... إِلَى اللَّهِ مِنْ مَقَامِ الْعَابِدِ. أَوْسَطُ أَحَبُّ
۵. الدَّرْسُ حَزْفٌ وَالتَّكْرَارُ..... أَلْفٌ إِشَانِ

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: کلمات مرتبط در ستون «الف» و «ب» را به هم وصل کنید.

اللِّسَانُ
الطَّوْفُ
الْحِوَارُ
الْجَدُّ
الدَّهَبُ
الْوَالِدَانِ

كَلَامٌ بَيْنَ شَخْصَيْنِ :
الدَّوْرَانُ حَوْلَ مَكَانٍ :
أَبُو الْأَبِ وَ أَبُو الْأُمِّ :
قِيَمَتُهُ غَالِيَةٌ :
جِزْمُهُ صَغِيرٌ وَ جِزْمُهُ كَبِيرٌ :
النَّظْرُ فِي وَجْهِهِمَا عِبَادَةٌ :

التَّمْرِينُ السَّادِسُ: در باره مقام دانشمندان، تحقیق کنید و سخن زیبایی را به عربی بیابید.

روان خوانی : هر جمله را با صدای بلند بخوانید.



تِلْكَ السَّفِينَةُ فِي الْبَحْرِ.



هَذِهِ شَجَرَةُ الْعِنَبِ.



هَذَانِ الْوَالِدَانِ صَدِيقَانِ مُخْلِصَانِ. أَوْلَئِكَ الْبَنَاتُ جَالِسَاتٌ عَلَى الْأَرْضِ.



هَاتَانِ الْوَرْدَتَانِ جَمِيلَتَانِ.



الْبَيْتُ الْخَشْبِيُّ عَلَى الشَّجَرَةِ.

فعل ماضى

أَلْفَصْلُ الرَّابِعُ



الْعِلْمُ كَنْزٌ.

الدَّرْسُ الْحَادِي عَشَرَ « ١١ »

المُعْجَم : واژه نامه

لِمَاذَا : برای چه، چرا
ماء : آب
وَاجِب : تکلیف

فَعَلَ : انجام داد
كَانَ : بود
كَتَبَ : نوشت
لِأَنَّ : زیرا
لَعِبَ : بازی کرد

سَأَلَ : پرسید، خواست
سَمِعَ : شنید
شَرِبَ : نوشید
طَرَقَ : کوبید
فَتَحَ : باز کرد

جاء : آمد
جَلَسَ : نشست
جَمَعَ : جمع کرد
ذَهَبَ : رفت
رَجَعَ : برگشت

حوارٌ في الأسرة



الوَلَدُ - صَدِيقِي، طَرَقَ الْبَابَ.
- لا؛ كَانَ مَعَ أَبِيهِ.
- هُوَ سَأَلَ : «مَا هِيَ وَاجِبَاتُنَا؟»
- لِأَنَّهُ كَانَ غَائِبًا.
- لا؛ ذَهَبَ إِلَى الْمُسَابَقَةِ.
- لا؛ هُمَا ذَهَبَا إِلَى مَنزِلِهِمَا.

الْأَبُ - مَنْ طَرَقَ الْبَابَ؟
- هَلْ كَانَ مَعَ أُمَّهِ؟
- مَاذَا سَأَلَكَ؟
- لِمَاذَا سَأَلَ هَذَا السُّؤَالَ؟
- أَمْ كَانَ مَرِيضًا؟
- هَلْ هُمَا خَلَفَ الْبَابَ الْآنَ؟



النِّثْ - صَدِيقَتِي، طَرَقَتِ الْبَابَ.
 - لا؛ كَانَتْ مَعَ أُمِّهَا.
 - هِيَ سَأَلَتْ: «مَا هِيَ وَاجِبَاتُنَا؟»
 - لِأَنَّهَا كَانَتْ غَائِبَةً.
 - لا؛ ذَهَبَتْ إِلَى الْمُسَابَقَةِ.
 - لا؛ هُمَا ذَهَبْنَا إِلَى مَنَزِلِهِمَا.

الْأُمُّ - مَنْ طَرَقَتِ الْبَابَ؟
 - هَلْ كَانَتْ مَعَ أَبِيهَا؟
 - مَاذَا سَأَلَتْكَ؟
 - لِمَاذَا سَأَلْتَ هَذَا السُّؤَالَ؟
 - أ كَانَتْ مَرِيضَةً؟
 - هَلْ هُمَا خَلَفَ الْبَابَ الْآنَ؟

فعل ماضى (١)



هُم، سَأَلُوا الْمُعَلِّمَ.



هُمَا، كَتَبَا دَرَسَهُمَا.



هُوَ، شَرِبَ الْمَاءَ.



هُنَّ، جَلَسْنَ فِي الْحَدِيقَةِ.



هُمَا، لَعِبَتَا سَاعَتَيْنِ.



هِيَ، طَرَقَتِ الْبَابَ.

بدانیم

فعل ماضی بر زمان گذشته دلالت دارد. به مقایسه فعل های عربی و فارسی زیر دقت کنید.

او انجام داد	هِيَ فَعَلَتْ	هُوَ فَعَلَ
ایشان انجام دادند	هُمَا فَعَلَتَا	هُمَا فَعَلَا
	هُنَّ فَعَلْنَ	هُمْ فَعَلُوا

فَنِّ تَرْجَمَهُ

به ترجمه این دو جمله دقت کنید.

جاءَ سائِقٌ. راننده ای آمد. جاءَ السَّائِقُ. راننده آمد.

اکنون شما این جمله ها را ترجمه کنید.

رَجَعَ جُنْدِيٌّ. رَجَعَ الْجُنْدِيُّ.

جَلَسَتْ بَائِعَةٌ. جَلَسَتْ الْبَائِعَةُ.

التَّمَارِينُ

التَّمَرِينُ الْأَوَّلُ: ترجمه کنید.

۱. اِثْنَانِ مِنْ طُلَّابٍ صَفْنَا، ذَهَبَا إِلَى الْمَكْتَبَةِ.

۲. خَمْسَةٌ مِنْ أَصْدِقَائِي، لَعَبُوا فِي الْمُسَابَقَةِ.

۳. أَوْلِيكَ الطُّلَّابُ الْفَائِرُونَ، رَجَعُوا عِنْدَ أَسْرَتِهِمْ.

التَّمَرِينُ الثَّانِي: زیر ضمیرهای منفصل و متصل خط بکشید؛ سپس هر جمله را ترجمه کنید.

۱. الطَّالِبَاتُ سَمِعْنَ كَلَامَ الْمُدِيرَةِ. هُنَّ بَنَاتُ عَالِمَاتٍ.

٢. الأَطْفَالُ لَعِبُوا فِي مَدْرَسَتِهِمْ. هُمْ أَوْلَادُ مَحْبُوبُونَ.

٣. الْوَالِدَةُ جَلَسَتْ عِنْدَ أَطْفَالِهَا. هِيَ امْرَأَةٌ رَحِيمَةٌ.

٤. الْمُهَنْدِسَتَانِ ذَهَبَتَا إِلَى الْعَمَلِ. هُمَا امْرَأَتَانِ عَالِمَتَانِ.

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: زیر فعل ماضی خط بکشید؛ سپس هر جمله را ترجمه کنید.

١. الْأَصْدِقَاءُ ذَهَبُوا إِلَى الْبَحْرِ.

٢. النِّسَاءُ جَمَعْنَ الْحَقَائِبَ.

٣. الطِّفْلَتَانِ شَرِبَتَا الْمَاءَ.

٤. الْمُسَافِرَانِ فَتَحَا الْحَقِيبَةَ.

٥. الضَّيْفُ طَرَقَ الْبَابَ.

٦. الطِّفْلَةُ لَعِبَتْ مَعَ صَدِيقَاتِهَا.

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: با توجه به نمونه ترجمه کنید.

رَجَعَ : برگشت ← رَجَعُوا : جَلَسَ : نشست ← جَلَسْنَا :

فَعَلَ : انجام داد ← فَعَلْنَا : سَأَلَ : پرسید ← سَأَلْنَا :

كَتَبَ : نوشت ← كَتَبُوا : جَمَعَ : جمع کرد ← جَمَعْنَا :

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: فکر کنید و پاسخ دهید؛ چرا معادل عربی جمله‌های فارسی بیشتر است؟

او نوشت	هِيَ كَتَبَتْ	هُوَ كَتَبَ
آنان رفتند	هُمَا ذَهَبَتَا هُنَّ ذَهَبْنَ	هُمَا ذَهَبَا هُمْ ذَهَبُوا

الدَّرْسُ الثَّانِي عَشَرَ «١٢»

المُعْجَم : واژه نامه

والِد : پدر	فَلَّاح : کشاورز	تُفَّاح : سیب	أَكْبَر : بزرگ تر
والِدَة : مادر	قَرَأَ : خواند	زَوْجَة : همسر	أَيُّهَا، أَيَّتُهَا : ای
	مُسَاعَدَة : کمک	سَمَّحَ لَ : اجازه داد	بِ : به وسیله
	مَمْلُوءٌ بِـ : پُر از	فَاكِهَة : میوه «جمع: فَوَاكِه»	بَدَأَ بِـ : شروع کرد به

الْأُسْرَةُ النَّاجِحَةُ

السَّيِّدُ زَارِعِي فَلَاحٍ وَ زَوْجَتُهُ فَلَاحَةٌ. هُمَا سَاكِنَانِ مَعَ أَوْلَادِهِمَا فِي قَرْيَةٍ. عَارَفُ أَكْبَرُ مِنَ الْأَخَوَيْنِ وَ سُمِّيَهُ أَكْبَرُ مِنَ الْأَخْتَيْنِ. هُمُ أُسْرَةٌ نَاجِحَةٌ. بَيْتُهُمْ نَظِيفٌ وَ بُسْتَانُهُمْ مَمْلُوءٌ بِأَشْجَارِ الْبُرْتُقَالِ وَ الْعِنَبِ وَ الرُّمَّانِ وَ التُّفَّاحِ.

حِوَارٌ بَيْنَ الْوَالِدِ وَ الْأَوْلَادِ



- الوالِد : أَيْنَ ذَهَبْتَ يَا عَارِفُ؟
 الوالِد : كَيْفَ رَجَعْتُمَا يَا صَادِقُ وَ يَا حَامِدُ؟
 الوالِد : لِمَاذَا ذَهَبْتُمْ أَيُّهَا الْأَوْلَادُ؟
- عارف : إِلَى بَيْتِ الْجَدِّ وَ الْجَدَّةِ مَعَ صَادِقٍ وَ حَامِدٍ.
 الأخوان : بِالسَّيَّارَةِ.
 الإخوة : لِمُسَاعَدَةِ جَدَّنَا فِي جَمْعِ الْمَحْصُولِ.

حوار بين الوالدة والبنات



- الوالدة : أين ذهبت يا سميّة؟
 الوالدة : كيف رجعتما يا سيماء ويا نرجس؟
 الوالدة : لماذا ذهبتن أيتها البنات؟
 سميّة : إلى بيت الجدّ و الجدّة مع سيماء و نرجس.
 الأخوات : بمساعدة جدتنا في نظافة المنزل.
 الأختان : بالسيارة.

فعل ماضى (٢)



أنتم رجعتن من الجبل.



أنتم بدأتم بالمسابقة.



أنت كتبت الدرس.



أنسن ذهبن إلى الحديقة.



أنما جمعتما الكتب.



أنت جلست خلف المئذنة.

بدانیم

به مقایسه جمله‌های عربی و فارسی زیر دقت کنید.

تو انجام دادی	أَنْتِ فَعَلْتِ	أَنْتَ فَعَلْتَ
شما انجام دادید	أَنْتُمْ فَعَلْتُمْ	أَنْتُمَا فَعَلْتُمَا
	أَنْتِنَّ فَعَلْتِنَّ	أَنْتُمْ فَعَلْتُمْ

فَنِّ تَرْجَمَهُ

۱. «یا أَيُّهَا» برای مذکر و «یا أَيَّتُهَا» برای مؤنث و به معنای «ای» هستند و گاهی حرف «یا» حذف می شود؛
 مثال: یا أَيُّهَا الْوَلَدُ وَ یا أَيَّتُهَا الْبِنْتُ. ← أَيُّهَا الْوَلَدُ وَ أَيَّتُهَا الْبِنْتُ.
 اکنون شما دو جمله زیر را ترجمه کنید.

۱. ماذا سَمِعْتَ يا أَيُّهَا الْجَدُّ؟

۲. ماذا سَأَلْتَ أَيُّهَا الْجَدَّةُ؟

التَّمَارِينُ

التَّمَرِينُ الْأَوَّلُ: ترجمه کنید.

۱. یا بِنْتان، کَيْفَ قَرَأْتُمَا دَرَسْکُمَا؟

۲. أَيُّهَا الطُّلَّابُ، لِمَاذَا فَتَحْتُمُ أَبْوَابَ الصُّفُوفِ؟

۳. أَيُّهَا السَّيِّدَاتُ، أَسَمِعْتُنَّ صَوْتَ الْجَوَّالِ؟

۴. یا أَسْتَاذُ، هَلْ سَمَحْتَ لِي بِالْكَلامِ؟

التَّمَرِينُ الثَّانِي: زیر فعل ماضی خط بکشید؛ سپس هر جمله را ترجمه کنید.

۱. إْحْوَتِي، طَرَقُوا بَابَ الْبَيْتِ.

۲. أَخَوَاتِي، سَأَلْنَ سُؤْالاً مُفِيداً.

۳. یا مَنْصُورَةٌ، هَلْ شَرِبْتَ الْمَاءَ؟

۴. یا قاسم، أَذْهَبْتَ مَعَ صَدِيقِكَ؟

۵. یا اَصْدِقَائِي، هَلْ كَتَبْتُمْ وَاِحْبَاتِكُمْ؟

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ : با توجه به نمونه ترجمه کنید.

قَرَأْتُمْ : خواندید ⇐ قَرَأَ :
جَلَسُوا : نشستند ⇐ جَلَسَتْ :

سَمِعْنَ : شنیدند ⇐ سَمِعْتُمَا :
فَعَلَّ : انجام داد ⇐ فَعَلَّتْ :

سَمَحَ : اجازه داد ⇐ سَمَحْتَنَ :
طَرَقُوا : کوبیدند ⇐ طَرَقْتُمْ :

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ : ضمیر مناسب را انتخاب سپس هر جمله را ترجمه کنید.

۱. { أَنْتُمْ □ أَنْتِ □ } جَلَسْتُمْ هُنَا.

۲. { هُمَا □ أَنْتُمَا □ } قَرَأْنَا كِتَابَ النُّجُومِ.

۳. { هُمَا □ أَنْتِ □ } ذَهَبْنَا إِلَى بُسْتَانِ التُّفَّاحِ.

۴. { هُنَّ □ هُمْ □ } لَعَبُوا فِي الْحَدِيقَةِ.

۵. { هُنَّ □ أَنْتَنْ □ } فَتَحْتُنَّ حَقَائِبِكُنَّ.

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ : ترجمه ناقص را کامل کنید.

۱. أَيُّهَا السَّائِقُ، أَفَتَحَتَ بَابَ السَّيَّارَةِ لِدُخُولِ الْمُسَافِرِينَ؟

ای آیا در را برای ورود مسافران؟

۲. يَا أَيَّتُهَا النِّسَاءُ، هَلْ بَدَأْتَنَّ بِجَمْعِ الْفَوَاكِهِ؟

ای، آیا جمع آوری را شروع کردید؟

التَّمْرِينُ السَّادِسُ : در یک کار گروهی تحقیق کنید نام چه میوه‌هایی در قرآن آمده است؟

یک روزنامه دیواری در این باره تهیه کنید.

الدَّرْسُ الثَّالِثُ عَشَرَ «١٣»

المُعْجَم : واژه نامه

مَبْرُوك : مبارک	عَلَم : پرچم	رِسَالَة : نامه	أَخَذَ : گرفت، برداشت
مَلَابِس : لباس ها	عَسَل : شُست	رَفَعَ : بالا بُرد	إِشْتَرَى : خرید
وَحَدَاكَ، وَحَدَاكَ : توبه تنهایی	فُسْتَان : پیراهن زنانه	سِرْوَال : شلوار	أَكَلَ : خورد
	قَمِيص : پیراهن	سُوق : بازار	أُم : یا
	لَا فَرْقَ : فرقی نیست	شُكْرًا جَزِيلًا : بسیار متشکرم	بَارِد : سرد
	لَكِن : ولی	عِبَاءَة : چادر	ذَكَرَ : یاد کرد

في السُّوق



- أَيْنَ ذَهَبْتَ يَا أُمُّ حَمِيدٍ؟
- هَلِ اشْتَرَيْتِ شَيْئًا؟
- مَلَابِسُ جَمِيلَةٌ! أَ ذَهَبْتَ وَحَدَاكَ؟
- كَيْفَ كَانَتِ الْمَلَابِسُ؟ رَخِيصَةً أَمْ غَالِيَةً؟
- فَلِمَذَا اشْتَرَيْتِنِ؟
- مَاذَا اشْتَرَيْتِ؟
- مَبْرُوكٌ. فِي أَمَانٍ لِلَّهِ.
- ذَهَبْتُ إِلَى سُوقِ التَّجْفِ.
- نَعَمْ؛ اشْتَرَيْتُ هَذِهِ الْمَلَابِسَ النِّسَائِيَّةَ.
- لَا؛ ذَهَبْتُ مَعَ صَدِيقَاتِي.
- مِثْلَ إِيرَانَ. لَا فَرْقَ. لَكِنِ اشْتَرَيْنَا.
- إِشْتَرَيْنَا لِلْهَدِيَّةِ.
- فُسْتَانًا وَعِبَاءَةً.
- شُكْرًا جَزِيلًا. مَعَ السَّلَامَةِ.



- أَيْنَ ذَهَبْتَ يَا أَبَا حَمِيدٍ؟
 - هَلِ اشْتَرَيْتَ شَيْئاً؟
 - مَلَابِيسُ جَمِيلَةٌ! أَذَهَبْتَ وَحَدَّكَ؟
 - كَيْفَ كَانَتْ الْمَلَابِيسُ؛ رَخِيصَةً أَمْ غَالِيَةً؟
 - فَلِمَاذَا اشْتَرَيْتُمُ؟
 - مَاذَا اشْتَرَيْتَ؟
 - مَبْرُوكٌ. فِي أَمَانِ اللَّهِ.
- ذَهَبْتُ إِلَى سَوْقِ النَّجْفِ.
 - نَعَمْ؛ إِشْتَرَيْتُ هَذِهِ الْمَلَابِيسَ الرَّجَالِيَّةَ.
 - لَا؛ ذَهَبْتُ مَعَ أَصْدِقَائِي.
 - مِثْلَ إِيرَانَ. لَا فَرْقَ. لَكِنَّ اشْتَرَيْنَا.
 - إِشْتَرَيْنَا لِلْهَدِيَّةِ.
 - قَمِيصاً وَسِرْوَالاً.
 - شُكْرًا جَزِيلاً. مَعَ السَّلَامَةِ.

فعل ماضى (٣)



ماذا قرأت؟
 قرأت أشعاراً.



ماذا أكلت؟
 أكلت التفاح.



أين رجعتن؟
 رجعتنا إلى الفندق.



أين ذهبتم؟
 ذهبنا إلى السوق.

۱. به مقایسه جمله‌های فارسی و عربی زیر دقت کنید.

أنا فَعَلْتُ. من انجام دادم. نَحْنُ فَعَلْنَا. ما انجام دادیم.



نَحْنُ رَفَعْنَا عِلْمَ إِيْرَانِ بِاِْتِيْحَارٍ.



أنا كَتَبْتُ رِسَالَةً لِصَدِيقِي.

۲. دو فعل «فَعَلْتُ» و «فَعَلْنَا» برای مذکر و مؤنث یکسان است؛ مثال:

الْوَلَدُ: «أنا رَجَعْتُ.» الْبِنْتُ: «أنا رَجَعْتُ.»

الْأَوْلَادُ: «نَحْنُ جَلَسْنَا.» الْبَنَاتُ: «نَحْنُ جَلَسْنَا.»

آیا می‌توانید تشخیص دهید گوینده این جمله‌ها مذکر است یا مؤنث؟
أنا اشْتَرَيْتُ جَوَّالًا. نَحْنُ قَرَأْنَا الدَّرْسَ.

التَّمارين

التَّمارينُ الأوَّلُ: زیر فعل‌های ماضی خط بکشید؛ سپس هر جمله را ترجمه کنید.

۱. أَيُّهَا الْمُسَافِرُونَ أَذَهَبْتُمْ إِلَى الْفُنْدُقِ؟ - لا. ذَهَبْنَا إِلَى السُّوقِ.

۲. ماذا غَسَلْتِ؟ - غَسَلْتُ مَلَابِسِي وَ مَلَابِسَ أُسْرَتِي.

۳. مِنْ أَيَّنْ أَحَدْتَ قَمِيصَكَ؟ - أَحَدْتُهُ مِنْ هُنَاكَ.

۴. ماذا اشْتَرَيْتُنْ؟ - اشْتَرَيْتُنَا فُسْتَانًا وَ عَبَاءَةً.

۵. أَمْ مَدْرَسُ الْفَارِسِيَّةِ جَاءَ أَمِ الْعَرَبِيَّةِ؟ - مَدْرَسُ الْفَارِسِيَّةِ.

التَّمْرِينُ الثَّانِي : ترجمه ناقص را کامل کنید.

۱. أَسَمَّحْتَ لِصَدِيقَتِكَ بِالرُّجُوعِ؟
..... آیا به دوستت؟
۲. هُوَ لِإِطْلَاقِ الطَّلَافِ، كَتَبُوا دُرُوسَهُمْ.
..... دانشجویان، درس هایشان را
۳. أَوْلَيْكَ الْبِنَاتُ، قَرَأَنَّ كِتَابَ عِلْمِ التُّجُومِ.
..... دختران، کتاب ستاره شناسی را
۴. رَجَعْتُ إِلَى غُرْفَتِي بَعْدَ دَقِيقَتَيْنِ.
..... پس از دو دقیقه
۵. لَعَبْنَا مَعَ أَصْدِقَائِنَا فِي الْحَدِيقَةِ.
..... با در باغ

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ : گزینه درست را انتخاب کنید.

۱. الْمَرْأَتَانِ جَنَّبَ الْجِدَارِ. □ جَلَسَا □ جَلَسَتَا
۲. الْوَلَدَانِ كَلَامَ مُدَرِّسِيهِمَا. □ سَمِعَا □ سَمِعْنَ
۳. نَحْنُ حَوْلَ الدَّرْسِ. □ سَأَلْنَا □ سَأَلْتُ
۴. هَلْ صَدِيقَكُمَا؟ □ ذَكَرْتُمَا □ ذَكَرْتُمْ
۵. أَنْتَ مِنَ الْفَوَاكِهِ؟ □ أَكَلْنَا □ أَكَلْتَ
۶. أَنَا مَاءً بَارِدًا. □ شَرِبْتُ □ شَرِبْتِ

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ : جدول را با کلمات داده شده کامل کنید؛ سپس رمز را بنویسید.

ذَكَرْنَا - أَرْضُ - غَسَلْنَا رَجَعْتُ رَفَعْتُ جَدَّةٌ قَمِيصٌ ذَهَبْنَا - رَخِيصٌ تَعَاوَفُ أَكَلْتُ طُلَّابٌ - أَلْفَانِ

۱. دانشجویان ۲. دو هزار ۳. رفتیم ۴. آشنایی ۵. شستیم ۶. برگشتم ۷. خوردم ۸. پیراهن ۹. بالا بردم
۱۰. یاد کردیم ۱۱. ارزان ۱۲. زمین ۱۳. مادر بزرگ

	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
													رمز ←

رمز :

الدَّرْسُ الرَّابِعُ عَشَرَ «١٤»

المُعْجَم : واژه نامه

أَجَابَ : جواب داد	حَصَدَ : درو کرد	سَلِمَ : سالم ماند	فَقَصِيرَ : کوتاه
إِذَا : هرگاه، اگر	خَرَجَ : بیرون رفت	صَعِدَ : بالا رفت	مَلَكَ : فرمانروا شد
أَرَادِلَ : فرومایگان	حُسْرَانُ : زیان	طَلَبَ : درخواست کرد	مَنْ : هرکس
أَفْاضِلَ : شایستگان	دَخَلَ : داخل شد	عُدْوَانُ : دشمنی	وَجَدَ : پیدا کرد
بَحَثَ عَنْ : دنبال... گشت	دَفَعَ : پرداخت کرد	عَنْ : از	وَصَلَ : رسید
بَقِيَ : ماند	رَفَعَ : برداشت، بلند کرد	قَالَ : گفت	هَلَكَ : هلاک شد
ثُمَّ : سپس	زَرَعَ : کاشت	قَرُبَ مِنْ : نزدیک شد به	

الْجُمَلَاتُ الدَّهَبِيَّةُ

كَانَ يَاسِرٌ مَعَ أَصْدِقَائِهِ. هُمْ لَعِبُوا فِي الْمَدْرَسَةِ. رَجَعَ يَاسِرٌ إِلَى الْبَيْتِ بَعْدَ الظُّهْرِ. هُوَ طَرَقَ بَابَ الْمَنْزِلِ. سَمِعَتْ أُمُّهُ صَوْتَ الْبَابِ ثُمَّ ذَهَبَتْ وَفَتَحَتْ الْبَابَ وَسَأَلَتْهُ : «كَيْفَ حَالُكَ؟» أَجَابَ الْوَلَدُ : «أَنَا بِخَيْرٍ.»

شَرِبَ الْوَلَدُ الْمَاءَ وَجَلَسَ لِلْإِسْتِرَاحَةِ. ثُمَّ فَتَحَ حَقِيبَتَهُ وَبَدَأَ بِقِرَاءَةِ الدَّرْسِ. سَأَلَتْهُ أُمُّهُ : «مَا هِيَ وَاجِبَاتُكَ؟»

أَجَابَ يَاسِرٌ : «حِفْظُ هَذِهِ الْجُمَلَاتِ الدَّهَبِيَّةِ.»



«إِذَا مَلَكَ الْأَرَادِلُ، هَلَكَ الْأَفْاضِلُ.»

«مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ؛ حَصَدَ الْحُسْرَانَ.»، «التَّجْرِبَةُ فَوْقَ الْعِلْمِ.»

«خَيْرُ النَّاسِ، أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ.»

«الْمُسْلِمُ، مَنْ سَلِمَ النَّاسُ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ.»، «لِسَانُ الْمُقْصِرِ، قَصِيرٌ.»

آهنگ تلفظ فعل ماضی



آهنگ تلفظ فعل های أَخَذَ، بَحَثَ، جَلَسَ، خَرَجَ، دَخَلَ، دَفَعَ، ذَكَرَ، رَفَعَ، فَتَحَ و كَتَبَ «فَعَلَّ» است.

آهنگ تلفظ فعل های سَمِعَ، شَرِبَ و لَعِبَ «فَعِلَّ» است.

آهنگ تلفظ فعل قَرُبَ نیز «فَعَلَّ» است.

اما آهنگ تلفظ همه فعل ها «فَعَلَّ»، «فَعِلَّ» و «فَعَّلَّ» نیست؛ مانند: أَجَابَ، إِشْتَرَى، قَالَ، جَاءَ

امسال فقط با صرف فعل های شبیه «فَعَلَّ»، «فَعِلَّ» و «فَعَّلَّ» آشنا می شوید.



فعل های ماضی را در جمله های زیر می توان به دو شکل ترجمه کرد و هر دو درست است.

۱- إذا **مَلَكَ** الأَرَاذِلُ، **هَلَكَ** الأَفْاضِلُ.

الف. هرگاه فرومایگان فرمانروا شدند؛ شایستگان هلاک شدند.

ب. هرگاه فرومایگان فرمانروا شوند؛ شایستگان هلاک می شوند.

۲- مَنْ **زَرَعَ** العُدْوَانَ؛ **حَصَدَ** الخُسْرَانَ.

الف. هرکس دشمنی کاشت؛ زیان درو کرد ب. هرکس دشمنی بکارد؛ زیان درو می کند.

اکنون شما این جمله ها را ترجمه کنید.

مَنْ طَلَبَ أَخًا بِلا عَيْبٍ؛ بَقِيَ بِلا أَخٍ.

مَنْ رَفَعَ حَجْرًا عَنِ الطَّرِيقِ؛ كَتَبَ اللهُ لَهُ حَسَنَةً.



التَّمارين

التَّمرينُ الأوَّلُ: کلمات مترادف و متضاد را معلوم کنید. (=، #)

أجابَ	سألَ	عُدوانَ	صدقةَ	جاهلَ	عالِمَ	أراذِلَ	أفاضِلَ
رجعَ	ذهبَ	باردَ	حارَ	أفضلَ	خَيْرَ	بدايةَ	نهايةَ
رخيصةَ	غاليةَ	عُدوانَ	عداوةَ	خرَجَ	دَخَلَ	خلفَ	وراءَ

التَّامِرِينَ الثَّانِي: كلمة ناهما هنگ در هر مجموعه کدام است؟ چرا؟

۱. عَلم □ أخت □ أخ □ والد □ والدة □
۲. رأس □ يد □ ماء □ وجه □ لسان □
۳. قميص □ فستان □ جوال □ عباءة □ سيزوال □
۴. قصير □ نافذة □ باب □ جدار □ غرفة □
۵. أفضل □ أنفع □ أحب □ أقدام □ أكبر □

التَّامِرِينَ الثَّلَاث: با توجه به معنا، با کلمات پراکنده جمله بسازید.

۱. بَحَثُوا عَن، هُم، الكيمياء، كُتِبَ أَنان به دنبال کتاب‌های شیمی گشتند.

۲. صَفَّكُم، أَنْتُمْ، دَخَلْتُمْ، أيا شما وارد کلاستان شدید؟

التَّامِرِينَ الرَّابِع: بخوانید و ترجمه کنید.



هُم قَالُوا سَمِعْنَا صَوْتَكَ.



هُمَا صَعِدَا فَوْقَ الشَّجَرَةِ.



الْفَلَّاحُ زَرَعَ الرَّيْحَانَ.



هُنَّ نَجَحْنَ فِي الْمُسَابَقَةِ.



الْفَلَّاحَتَانِ حَصَدَتَا الْمَحْصُولَ.



هِيَ رَفَعَتْ عَلمَ إِيرانِ.



أَنْتُمْ خَرَجْتُمْ مِنْ صَفِّكُمْ.



أَنْتُمْ وَجَدْتُمْ كَنْزاً .



أَنْتِ بَحَثْتَ عَنِ الْكُتُبِ.



أَنْتُنَّ دَخَلْتُنَّ صَفِّكُنَّ.



أَنْتُمْ ذَكَرْتُمْ صَدِيقَتَكُمْ.



أَنْتِ وَصَلْتِ إِلَى الْبَيْتِ.



نَحْنُ دَفَعْنَا حِسَابَنَا.



أَنَا قَرَبْتُ مِنَ الْقَرْيَةِ.

الدَّرْسُ الْخَامِسَ عَشَرَ «١٥»

المُعْجَم : واژه نامه

نَسِيَ : فراموش کرد	عَفُواً : ببخشید	شَعَرَ بِ : احساس... کرد	أَلِهَةٌ : خدایان «مفرد : إله»
نَصَرَ : یاری کرد	فَرِحَ : خوشحال شد	صَدْر : سینه	أَمْثَال : مثل ها «مفرد : مَثَل»
وَقَعَ : افتاد	قَطَعَ : بُرید	صَنَعَ : ساخت	حُدُود : مرز، مرزها
وَقَفَ : ایستاد	لَبَسَ : پوشید	ضَرَبَ : زد	حَزِنَ : غمگین شد
	ما : حرف نفی	عَبَرَ : عبور کرد	حَفِظَ : حفظ کرد
	«ما عَرَفْتُ : نشناختم»	عَرَفَ : شناخت	«حَفِظَكُمُ اللَّهُ : خدا شما را حفظ کند.»

في الحدود



الجَدَّةُ : ألو . السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَزِيزِي .	مُحْسِنٌ : عَلَيْنِكَ السَّلَامُ . مَنْ أَنْتِ؟
الجَدَّةُ : كَيْفَ مَا عَرَفْتُ جَدَّتَكَ؟!	مُحْسِنٌ : عَفْوَاً؛ مَا عَرَفْتُ صَوْتِكَ . كَيْفَ حَالِكَ؟
الجَدَّةُ : أَنَا بِخَيْرٍ وَ كَيْفَ حَالِكُمْ؟	مُحْسِنٌ : كُنَّا بِخَيْرٍ .
الجَدَّةُ : أَيْنَ وَصَلْتُمْ الْآنَ؟	مُحْسِنٌ : وَصَلْنَا إِلَى مَدِينَةِ مَهْرَانَ فِي الْحُدُودِ الْإِيرَانِيَّةِ .
الجَدَّةُ : أَيْنَ الْوَالِدُ وَالْوَالِدَةُ؟	مُحْسِنٌ : إِنَّهُمَا جَالِسَانِ عَلَى الْكُرْسِيِّ .
الجَدَّةُ : هَلْ هُمَا بِخَيْرٍ؟	مُحْسِنٌ : نَعَمْ؛ الْحَمْدُ لِلَّهِ .
الجَدَّةُ : حَفِظَكُمُ اللَّهُ . مَعَ السَّلَامَةِ .	مُحْسِنٌ : شُكْرًا جَزِيلًا . إِلَى الْلِقَاءِ .

بدانيم

فعل ماضى با حرف «ما» منفي مى شود ؛ مانند : «كَتَبَ : نوشت» ← «ما كَتَبَ : ننوشت»
 اكنون شما اين فعل ها را ترجمه كنيد .

ما نَظَرَ : ما عَلِمَنَّ : ما وَصَلُوا :

التَّمارين

التَّمرينُ الأوَّلُ : ترجمه كنيد .

١. ﴿أَأَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِالْهَيْتِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ﴾ أنبياء/٦٢
٢. ﴿ضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَ نَسِيَ خَلْقَهُ﴾ ياسين/٧٨
٣. ﴿كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ﴾ فرقان/٩
٤. قَالَتْ سَعِيدَةٌ : «أَنَا تَبْرِيْزِيَّةٌ» .
٥. صَدْرُ الْعَاقِلِ ، صُنْدُوقُ سِرِّهِ .
٦. أَنْتُمْ صَعِدْتُمْ فَوْقَ الْجَبَلِ .

التَّمْرِينُ الثَّانِي: كلمات مرتبطة در ستون «الف» و «ب» را به هم وصل کنید.

ب	الف
مَزْرَعَةُ الْآخِرَةِ	الْفُسْتَانُ
كَنْزٌ	الْعِلْمُ
مِنْ مَلَابِسِ النِّسَاءِ	الدُّنْيَا
آفَةُ الْعِلْمِ	الصَّلَاةُ
مِفْتَاحُ الْعِلْمِ	النِّسْيَانُ
عَمُودُ الدِّينِ	السُّؤَالُ

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: هر جمله را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



هُمُ عَبَرُوا الْجَبَلَ.



هُمَا قَطَعَا الْحَشَبَ.



هُوَ وَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ.



هُمَا شَعَرَتَا بِالْإِفْتِحَارِ. الْفَائِزَاتُ وَقَفْنَ لِأَخْذِ الْجَوَائِزِ.



أَ هِيَ نَسِيَتْ شَيْئًا؟



أَنْتُمْ صَنَعْتُمْ بَيْتاً.



أَنْتُمْ جَمَعْتُمْ الْأَشْجَابَ.



أَنْتِ نَصَرْتَهُ. لِأَنَّكَ شَرِيفٌ.



هَلْ عَرَفْتُنَّ الْمُعَلِّمَةَ؟



أَنْتُمْ بَقَيْتُمْ فِي السُّوقِ.



أَلَيْسَتْ الْعِبَاءَةُ؟



نَحْنُ فَرِحْنَا كَثِيراً.



أَنَا حَزَنْتُ قَلِيلاً.

الدَّرْسُ السَّادِسَ عَشَرَ «١٦»

المُعْجَم : واژه نامه

سحاب : ابر	جَوّ : هوا	أَسْوَد : سیاه	أَبْيَض : سفید
شِتَاء : زمستان	حَارّ : گرم	إِشَارَةٌ حَمْرَاء : چراغ قرمز	إِثْنَيْن : دوشنبه
صَيْف : تابستان	حَيَاة : زندگی	أَضْفَر : زرد	أَحَد : یکشنبه
عَدَاً : فردا	خَرِيف : پاییز	أَمْسٍ : دیروز	أَحْمَر : سرخ
عُرَاب : کلاغ	خَمِيس : پنجشنبه	أَوْرَاق : برگ ها «مفرد: وَرَق»	أَخْضَر : سبز
لَوْن : رنگ «جمع: ألوان»	رَبِيع : بهار	أَيّ : کدام، چه	أَرْبَعَاء : چهارشنبه
نَخْلَةٌ : مورچه	سَبْت : شنبه	ثُلَاثَاء : سه شنبه	أَزْرَق : آبی

الْأَيَّامُ وَ الْفُصُولُ وَ الْأَلْوَانُ

الطُّلَابُ دَخَلُوا الصَّفَّ؛ ثُمَّ جَاءَ الْمُدْرَسُ؛ بَعْدَ دَقَائِقَ بَدَأَ الْمُدْرَسُ بِالسُّؤَالِ عَنِ الْآيَّامِ وَ الْفُصُولِ وَ الْأَلْوَانِ.

الْمُدْرَسُ : ما هي أيام الأسبوع؟

الطَّالِبُ : يَوْمُ السَّبْتِ، الْأَحَدِ، الْإِثْنَيْنِ، الثُّلَاثَاءِ، الْأَرْبَعَاءِ، الْخَمِيسِ، الْجُمُعَةِ.

الْمُدْرَسُ : وَ مَا هِيَ فُصُولُ السَّنَةِ؟

الطَّالِبُ : الرَّبِيعُ وَ الصَّيْفُ وَ الْخَرِيفُ وَ الشِّتَاءُ.



المُدَرِّس :

نَحْنُ فِي أَيِّ يَوْمٍ وَ فَصَلٍ؟

الطَّالِب :

الْيَوْمُ يَوْمُ الْأَرْبَعَاءِ وَالْفَصَلُ فَصَلُ الرَّبِيعِ .

المُدَرِّس :

كَيْفَ الْجَوُّ فِي كُلِّ فَصَلٍ؟

الطَّالِب :

الْجَوُّ فِي الرَّبِيعِ مُعْتَدِلٌ . الرَّبِيعُ فَصَلُ الْجَمَالِ وَالْحَيَاةِ الْجَدِيدَةِ .

الصَّيْفُ حَارٌّ وَ فَصَلُ الْفَوَاكِهِ اللَّذِيذَةِ وَالْحَرِيفُ لَا حَارٌّ وَلَا بَارِدٌ .

وَ فَصَلُ سُقُوطِ أَوْراقِ الْأَشْجارِ وَالشِّتَاءِ بَارِدٌ .

المُدَرِّس :

ما هي الألوان؟

الطَّالِب :

الْأَسْوَدُ وَالْأَبْيَضُ وَالْأَحْمَرُ وَالْأَخْضَرُ وَالْأَزْرَقُ وَالْأَصْفَرُ .

المُدَرِّس :

ما هو المِثَالُ لهذه الألوان؟

الطَّالِب :

الْغُرَابُ أَسْوَدٌ وَالسَّحَابُ أَيْضٌ وَالرُّثْمَانُ أَحْمَرٌ وَالشَّجَرُ أَخْضَرٌ وَالْبَحْرُ أَزْرَقٌ وَالْمَوْزُ أَصْفَرٌ .

المُدَرِّس :

ما هي ألوان عِلْمِ الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ الْإِيرَانِيَّةِ؟

الطَّالِب :

الْأَخْضَرُ وَالْأَبْيَضُ وَالْأَحْمَرُ .





گاهی کلمه‌های «أسود، أحمر، أزرق، أخضر، أبيض و أصفر» به شکل زیر به کار می‌روند:

سوداء، حمراء، زرقاء، خضراء، بيضاء و صفراء. (دانستن علت این تغییر فعلاً ضرورت ندارد)

اکنون شما جمله زیر را ترجمه کنید.

السَّمَاءُ الرَّزْقَاءُ وَالْقَرْيَةُ الْخَضْرَاءُ جَمِيلَتَانِ.



التَّهْرِينُ الْأَوَّلُ: در جای خالی گزینه مناسب بنویسید.

- | | | |
|--------------|------------------|--|
| □ الأَحَدِ | □ الإِثْنَيْنِ | ۱. الْيَوْمُ يَوْمَ السَّبْتِ وَ غَدًا يَوْمٌ |
| □ الْحَمِيسِ | □ الْأَرْبَعَاءِ | ۲. أَمْسِ كَانَ يَوْمَ الثَّلَاثَاءِ. الْيَوْمُ يَوْمٌ |
| □ الرَّبِيعِ | □ الْخَرِيفِ | ۳. أَوَّلُ الْفُصُولِ فَضْلٌ |
| □ حَارٌّ | □ بَارِدٌ | ۴. الشِّتَاءُ فَضْلٌ |

التَّهْرِينُ الثَّانِي: ترجمه کنید.

۱. لَوْنُ السَّمَاءِ، أَرْزَقُ.
۲. أَوْرَاقُ الْأَشْجَارِ، خَضْرَاءُ.
۳. لَوْنُ الْمَوْزِ، أَصْفَرُ.
۴. لَوْنُ السَّحَابِ، أَيْضُ.
۵. لَوْنُ الْغُرَابِ، أَسْوَدُ.
۶. لَوْنُ الرُّمَّانِ، أَحْمَرُ.

۷. «إِنَّ الْيَوْمَ عَمَلٌ وَ لَا حِسَابٌ وَ غَدًا حِسَابٌ وَ لَا عَمَلٌ.»

۸. الْعَاقِلُ، صَابِرٌ عِنْدَ مُشَاهَدَةِ الْإِشَارَةِ الْحَمْرَاءِ فِي السَّارِعِ.

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ : متضادّ كلمات زیر را از داخل کمانک پیدا کنید و بنویسید.

(غَدًا - حَزَنَ - أَبْيَضَ - مَوْتَ)

..... # أَسْوَدَ # # أَمْسَ # # حَيَاةَ # # فَرِحَ #

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ : ترجمه را کامل کنید.

.....	قَطَعَ : بُرِدَ	↔	قَطَعْنَ :	سَلِمَ : سالم ماند	↔	سَلِمَا :
.....	صَرَبَ : زد	↔	صَرَبَتْ :	شَعَرَ : احساس کرد	↔	شَعَرْنَ :
.....	لَبَسَ : پوشید	↔	لَبَسْتُمَا :	حَزَنَ : غمگین شد	↔	حَزِنُوا :
.....	سَأَلَ : پرسید	↔	سَأَلْتُ :	نَصَرَ : یاری کرد	↔	نَصَرْنَا :
.....	صَنَعَ : ساخت	↔	صَنَعْتُمْ :	فَرِحَ : خوشحال شد	↔	فَرِحْتُمْ :
.....	عَرَفَ : شناخت	↔	عَرَفْنَا :	وَقَفَ : ایستاد	↔	وَقَفْتِ :



الدَّرْسُ السَّابِعُ عَشَرَ «١٧»

المُعْجَم : واژه نامه

إِبْتِسَامٌ : لبخند	حَزِينٌ : غمگین	شَبَكَةٌ : تور	لَكِنَّ : ولی
أَحَدٌ : کسی	خَافٌ : ترسید	عَلِمَ : دانست «عَلِمَ أَنْ : دانست كه»	نَظَرَ : نگاه كرد
أَنَّ : كه	خَائِفٌ : ترسیده، ترسان	فَ : پس	وَحِيدٌ : تنها
بَلْ : بلکه	سَمَكٌ : ماهی «جمع : أسماك»	قَبِيحٌ : زشت	هَرَبٌ : فرار كرد
جِدًّا : بسیار	سَمَكَةٌ حَجْرِيَّةٌ : سنگ ماهی	قَذَفٌ : انداخت	

زِينَةُ الْبَاطِنِ

كَانَتْ فِي بَحْرِ كَبِيرٍ سَمَكَةٌ قَبِيحَةٌ إِسْمُهَا «السَّمَكَةُ الْحَجْرِيَّةُ» وَ الْأَسْمَاكُ خَائِفَاتٌ مِنْهَا. هِيَ كَانَتْ وَحِيدَةً دَائِمًا. فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ، حَمَسَهُ مِنَ الصَّيَادِينَ جَاؤُوا وَ قَذَفُوا شَبَكَةً كَبِيرَةً فِي الْبَحْرِ. وَقَعَتْ الْأَسْمَاكُ فِي الشَّبَكَةِ. مَا جَاءَ أَحَدٌ لِلْمُسَاعَدَةِ. السَّمَكَةُ الْحَجْرِيَّةُ سَمِعَتْ أَصْوَاتَ الْأَسْمَاكِ. فَنَظَرَتْ إِلَى الشَّبَكَةِ وَ حَزِنَتْ وَ ذَهَبَتْ لِنَجَاةِ الْأَسْمَاكِ. قَطَعَتْ الشَّبَكَةَ بِسُرْعَةٍ وَ الْأَسْمَاكُ حَرَجْنَ وَ هَرَبْنَ جَمِيعًا. فَوَقَعَتْ السَّمَكَةُ الْحَجْرِيَّةُ فِي الشَّبَكَةِ وَ الصَّيَادُونَ أَخَذُوهَا. كَانَتْ الْأَسْمَاكُ حَزِينَاتٍ؛ لِأَنَّ السَّمَكَةَ الْحَجْرِيَّةَ وَقَعَتْ فِي الشَّبَكَةِ لِنَجَاتِهِنَّ.

الْأَسْمَاكُ نَظَرْنَ إِلَى سَفِينَةِ الصَّيَادِينَ. هُمْ أَخَذُوهَا وَلَكِنَّهُمْ قَذَفُوهَا فِي الْمَاءِ؛ لِأَنَّهَا كَانَتْ قَبِيحَةً جِدًّا فَخَافُوا مِنْهَا. الْأَسْمَاكُ فَرِحْنَ لِنَجَاتِهَا وَ نَظَرْنَ إِلَيْهَا بِإِبْتِسَامٍ وَ عَلِمْنَ أَنَّ جَمَالَ الْبَاطِنِ أَفْضَلُ مِنْ جَمَالِ الظَّاهِرِ.

قَالَ عَلِيُّ (ع): «زِينَةُ الْبَاطِنِ، خَيْرٌ مِنْ زِينَةِ الظَّاهِرِ.»





التَّمرينُ الأوَّلُ : با توجه به متن درس، کدام جمله صحیح و کدام غلط است؟

۱. كانت السمكة الحَجْرِيَّةُ وَحيدَةً.
۲. السمكةُ الحَجْرِيَّةُ ذَهَبَتْ لِنِجاةِ الأَسْمَاكِ.
۳. كانت السمكةُ الحَجْرِيَّةُ صَغِيرَةً وَجَمِيلَةً.
۴. الصَّيَادُونَ ما خافوا مِنَ السمكةِ الحَجْرِيَّةِ.

التَّمرينُ الثَّاني : با توجه به متن درس به سوالات زیر پاسخ کوتاه دهید. (در یک یا دو کلمه)

۱. مَنْ قَدَفَ شَبَكَةً فِي المَاءِ؟
.....
۲. كَمْ صَيَاداً كانَ فِي السَّفِينَةِ؟
.....
۳. أَيْنَ وَقَعَتِ السمكةُ الحَجْرِيَّةُ؟
.....
۴. هَلْ زِينَةُ الظَّاهِرِ خَيْرٌ مِنْ زِينَةِ الباطِنِ؟
.....

التَّمرينُ الثَّالثُ : مانند نمونه ترجمه کنید.

- | | |
|--|---|
| دَفَعَ : پرداخت ⇐ دَفَعَنَ : | هَرَبَ : فرار کرد ⇐ هَرَبَا : |
| عَلِمَ : دانست ⇐ ما عَلِمَ : | سَلِمَ : سالم ماند ⇐ سَلِمَنَ : |
| قَدَفَ : انداخت ⇐ قَدَفْتُما : | وَقَعَ : افتاد ⇐ وَقَعْتُ : |
| نَظَرَ : نگاه کرد ⇐ ما نَظَرْنَا : | نَصَرَ : یاری کرد ⇐ ما نَصَرُوا : |
| قَطَعَ : بُرید ⇐ ما قَطَعْنَا : | عَبَّرَ : عبور کرد ⇐ عَبَّرْنَا : |
| ما ضَرَبَ : نزد ⇐ ما ضَرَبْنَا : | ذَكَرَ : یاد کرد ⇐ ذَكَرْتُ : |

التَّمرينُ الرَّابِعُ : در یک کار گروهی تحقیق کنید و جمله زیبایی را به عربی یا فارسی در باره نتیجه

اخلاقی متن درس بیابید.

الدَّرْسُ الثَّامِنَ عَشَرَ «١٨»

المُعْجَم : واژه نامه

أَثَقَنَ : محکم انجام داد	رَحِمَ : رحم کرد	عَمِلَ : انجام داد، کار کرد	لَيْسَ : نیست
أَعْطَى : داد «أَعْطَاهُ: به او داد»	«رَحِمَ اللَّهُ: خدا رحمت کند»	قَالَ فِي نَفْسِهِ : با خودش گفت	مُجِدَّ : کوشا
تَقَاعَدَ : بازنشستگی	سَنَوَاتٍ : سال ها (مفرد: سَنَةٌ)	قَبِلَ : پذیرفت	مَصْنَعٌ : کارخانه
جَيِّدًا : خوب، به خوبی	شِرَاءً : خریدن	كَأخِرِ عَمَلِهِ : به عنوان آخرین کارش	نَدِمَ : پشیمان شد
رَأَى : دید	صُنْعٌ : ساختن	لَمَّا : هنگامی که	يَا لَيْتَنِي : ای کاش من

الإحْلَاصُ فِي الْعَمَلِ

كَانَ نَجَّارًا وَصَاحِبُ مَصْنَعِ صَدِيقَيْنِ. فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ، قَالَ النَّجَّارُ لِصَاحِبِ الْمَصْنَعِ: «أَنَا بِحَاجَةٍ إِلَى التَّقَاعُدِ.» أَجَابَ صَاحِبُ الْمَصْنَعِ: «وَلَكِنَّكَ مَا هُرُّ فِي عَمَلِكَ وَنَحْنُ بِحَاجَةٍ إِلَيْكَ يَا صَدِيقِي.» النَّجَّارُ مَا قَبِلَ. لَمَّا رَأَى صَاحِبُ الْمَصْنَعِ إِضْرَارَهُ؛ قَبِلَ وَطَلَبَ مِنْهُ صُنْعَ بَيْتٍ حَشَبِيٍّ كَأخِرِ عَمَلِهِ فِي الْمَصْنَعِ.

ذَهَبَ النَّجَّارُ إِلَى السُّوقِ لِشِرَاءِ الْوَسَائِلِ لِصُنْعِ الْبَيْتِ الْحَشَبِيِّ الْجَدِيدِ. هُوَ اشْتَرَى وَسَائِلَ رَخِيصَةً وَغَيْرَ مُنَاسِبَةٍ وَبَدَأَ بِالْعَمَلِ لَكِنَّهُ مَا كَانَ مُجِدًّا. مَا كَانَتْ أَحْشَابُ الْبَيْتِ مَرْغُوبَةً.

بَعْدَ شَهْرَيْنِ ذَهَبَ عِنْدَ صَدِيقِهِ وَقَالَ لَهُ: «هَذَا آخِرُ عَمَلِي.» جَاءَ صَاحِبُ الْمَصْنَعِ وَأَعْطَاهُ مِفْتَاحًا ذَهَبِيًّا وَقَالَ لَهُ: «هَذَا مِفْتَاحُ بَيْتِكَ. هَذَا الْبَيْتُ هَدِيَّةٌ لَكَ؛ لِأَنَّكَ عَمِلْتَ عِنْدِي سَنَوَاتٍ كَثِيرَةً.»

نَدِمَ النَّجَّارُ مِنْ عَمَلِهِ وَقَالَ فِي نَفْسِهِ: «يَا لَيْتَنِي صَنَعْتُ هَذَا الْبَيْتَ جَيِّدًا!»

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً عَمِلَ عَمَلًا فَأَثَقَنَهُ.»



التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ : با توجه به متن درس، کدام جمله صحیح و کدام غلط است؟

۱. قَبِلَ صَاحِبُ الْمَصْنَعِ تَقَاعُدَ النَّجَّارِ لِأَنَّهُ كَانَ ضَعِيفًا.

۲. كَانَ النَّجَّارُ مُجِدِّدًا فِي صُنْعِ الْبَيْتِ الْحَسْبِيِّ.

۳. كَانَ الْبَيْتُ الْحَسْبِيُّ هَدِيَّةً لِلنَّجَّارِ.

۴. كَانَ النَّجَّارُ قَوِيًّا وَ مَاهِرًا.

۵. مَا نَدِمَ النَّجَّارُ مِنْ عَمَلِهِ.

التَّمْرِينُ الثَّانِي : کدام کلمات جمع مکسر هستند؟ (شش کلمه)

شَهْرَيْنِ - أَحْشَابِ - وَسَائِلِ - مِفْتَاحِ - إِخْوَةِ - بَسَاتِينِ - خَائِفَاتِ - صَيَّادُونَ - حِجَارَةٌ - أَرْبَعَاءُ - صُفُوفِ - تَقَاعُدِ

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ : با توجه به مثال ترجمه کنید.

رَحِمَ : رحم کرد	↔	رَحِمَنْ :
حَفِظَ : حفظ کرد	↔	حَفِظْتُ :
بَدَأَ : آغاز کرد	↔	بَدَأْتُما :
طَلَبَ : درخواست کرد	↔	طَلَبْنَا :
عَمِلَ : کار کرد	↔	عَمِلْتُمْ :
ضَرَبَ : زد	↔	ضَرَبْتُ :
قَبِلَ : پذیرفت	↔	قَبِلَا :
دَخَلَ : داخل شد	↔	دَخَلْنَا :
ذَكَرَ : یاد کرد	↔	ذَكَرْتُ :
عَبَرَ : عبور کرد	↔	عَبَرْنَا :
صَنَعَ : ساخت	↔	صَنَعْنَا :
نَدِمَ : پشیمان شد	↔	نَدِمْتُ :

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ : با توجه به متن درس به پرسش‌های زیر پاسخ کوتاه دهید. (در یک یا دو کلمه)

۱. مَنْ أُعْطِيَ مِفْتَاحًا ذَهَبِيًّا إِلَى النَّجَّارِ؟

۲. أَيْنَ ذَهَبَ النَّجَّارُ لِشِرَاءِ الْوَسَائِلِ؟

۳. هَلْ كَانَ صَاحِبُ الْمَصْنَعِ بِحَاجَةٍ إِلَى النَّجَّارِ؟

۴. مَاذَا اشْتَرَى النَّجَّارُ لِصُنْعِ الْبَيْتِ؟

الدَّرْسُ التَّاسِعَ عَشَرَ «١٩»

إِبْتِسَامَةٌ



- الأخ الصغيرُ : مَنْ هُوَ «حَافِظٌ»؟
الأخ الصغيرُ : أَيْنَ مَدِينَتُهُ «دَرْفُول»؟
الأخ الصغيرُ : كَمْ عَدَدُ مُدُنِ إِيرَانَ؟
الأخ الصغيرُ : هَلِ السَّمَاءُ زَرْقَاءُ حَقِيقَةً؟
الأخ الصغيرُ : لِمَنْ هَذِهِ الصُّورَةُ؟
الأخ الصغيرُ : مَاذَا فِي القَمَرِ؟
- الأُمُّ : لا؛ هُوَ شَاعِرٌ.
الأُمُّ : لا؛ إِنَّهَا فِي خوزِستَانِ.
الأُمُّ : لا؛ أَكْثَرُ مِنْ أَلْفِ مَدِينَةٍ.
الأُمُّ : لا؛ لَيْسَتْ زَرْقَاءُ فِي الحَقِيقَةِ.
الأُمُّ : لا؛ هَذِهِ صُورَةُ الرَّاظِيّ.
الأُمُّ : لا؛ هَذِهِ صُورَةُ فِرْدَوْسِيّ.
الأخ الكبيرُ : هُوَ عَالِمٌ.
الأخ الكبيرُ : إِنَّهَا فِي بوشهرِ.
الأخ الكبيرُ : تَقْرِيباً سَبْعُونَ مَدِينَةً.
الأخ الكبيرُ : نَعَمْ.
الأخ الكبيرُ : هَذِهِ صُورَةُ فِرْدَوْسِيّ.
الأخ الكبيرُ : فِيهِ (!؟)

الأُمُّ قَطَعَتْ الحِوَارَ بَيْنَ الأَحْوَيْنِ وَ طَلَبَتْ السُّكُوتَ مِنَ الوَلَدِ الصَّغِيرِ.
لَكِنَّ الوَلَدَ الكَبِيرَ قَالَ لِوَالِدَتِهِ : «عَفْواً؛ يَا أُمِّي، عَلَيْهِ السُّؤَالُ وَ عَلَيَّ الجَوَابُ. لِأَنِّي مُعَلِّمٌ»
قَالَتِ الوَالِدَةُ : « أَنْتَ مُعَلِّمٌ عَجِيبٌ!»

تَمَارِينُ عَامَّةٌ (١)

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ : ترجمه ناقص را کامل کنید.

١. تِسْعَةٌ مِنْ أَصْدِقَائِي نَجَحُوا فِي الْمُسَابَقَةِ. نه نفر از در مسابقه
٢. أَوْلَيْكَ الْأُمّهَاتُ وَقَفْنَ أَمَامَ بَابِ مَدْرَسَتِنَا. آن روبروی درِ مدرسه ما
٣. أَأَنْتَ لَيْسَتْ قَمِيصًا أَخْضَرَ أَمْسِ؟ آیا تو ، پیراهنی سبز
٤. وَقَفْتُ فِي الشَّارِعِ؛ لِأَنِّي رَأَيْتُ الْإِشَارَةَ الْحُمْرَاءَ. در خیابان زیرا من چراغ قرمز را
٥. وَجَدْنَا حَقِيبَةً سَوْدَاءَ فِي السُّوقِ. کیفی در پیدا کردیم.

التَّمْرِينُ الثَّانِي : پاسخ مناسب را انتخاب کنید.

١. بِدَايَةَ أَيَّامِ الْأُسْبُوعِ :	السَّبْتِ	الثَّلَاثَاءِ
٢. الْفَضْلُ الْحَارُّ :	الشِّتَاءِ	الصَّيْفِ
٣. لَيْسَ قَرِيبًا :	الْبَعِيدِ	الْجَمِيلِ
٤. فِيهِ أَشْجَارٌ كَثِيرَةٌ :	السَّبَاتَةِ	الْبُسْتَانِ
٥. وَالِدَةُ الْأُمِّ :	الْجَدَّةِ	الْجَدِّ

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ : در هر مجموعه، کدام کلمه از نظر معنی با بقیه «ناهماهنگ» است؟

١. أَب □ أُم □ بَحْر □ وَلد □ بِنْت □
٢. أَنْت □ هُو □ أَنَا □ إِذَا □ نَحْن □
٣. أَوْلَيْكَ □ هُوَآءِ □ هَل □ هَذَانِ □ هَاتَانِ □
٤. أَعْطَى □ أَحْمَر □ أَيْض □ أَسْوَد □ أَرْزَق □
٥. رُْمَان □ عِنَب □ مَوْز □ نَمْلَةٌ □ تُفَاح □

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ : کدام فعل ماضی برای جای خالی مناسب است؟

۱. یا أُخْتِي، لِمَاذَا هذا الْفُسْتَانَ الْقَصِيرَ؟
 اشْتَرَيْتِ اشْتَرَيْتَ
۲. فَايَزَاتُ الْمُسَابِقَةِ جَوَائِزَ نَفِيسَةً.
 أَخَذَتِ أَخَذَتْ
۳. السَّائِقُ إِلَى نِهَائَةِ الطَّرِيقِ.
 وَصَلَ وَصَلَتْ
۴. إِنَّهَا وَجْهَهَا بِالْمَاءِ الْبَارِدِ.
 غَسَلَتْ غَسَلْتُ
۵. الْمُسَافِرُونَ مِفْتَاحَ غُرْفَتِهِمْ.
 وَجَدُوا وَجَدْنَا

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ : با توجه به پاسخ، کدام کلمه پرسشی برای جای خالی مناسب است؟

۱. اسْمُ فَضْلِ بَدَايَةِ الْمَدْرَسَةِ؟ - الْخَرِيفُ.
 مَا هُوَ كَمْ
۲. هَذِهِ السَّيَّارَةُ؟ - هَذِهِ، سَيَّارَةُ وَالِدِي.
 مَنْ لِمَنْ
۳. الْيَوْمَ خَمِيسٌ؟ - لَا؛ الْيَوْمَ جُمُعَةٌ.
 مَا هَلْ
۴. عَمْرُكَ؟ - عُمْرِي، إِثْنَاعَشَرَ.
 كَمْ مَنْ
۵. أَنْتِ سَارَا؟ - لَا؛ أَنَا صَفُورَا.
 أَيْنَ أ

التَّمْرِينُ السَّادِسُ : در جای خالی گزینه مناسب قرار دهید.

هذا فَلَاحٌ. هُوَ حَصَدَ الْمَحْصُولَ.

۱. هَذِهِ هِيَ حَصَدَتِ الْمَحْصُولَ.
 فَلَاحٌ فَلَاحَةٌ
۲. هَاتَانِ هُمَا حَصَدَتَا الْمَحْصُولَ.
 فَلَاحَانِ فَلَاحَتَانِ
۳. أَيُّهُمَا الْفَلَاحَاتُ، أ حَصَدْتِنِ الْمَحْصُولَ؟
 أَنْتِ أَنْتُمْ
۴. هُوَ لَا فَلَاحُونَ. هُمْ الْمَحْصُولَ.
 حَصَدُوا حَصَدَا
۵. أَيُّهَا الْفَلَاحُ، أ حَصَدْتَ الْمَحْصُولَ؟
 أَنْتِ هِيَ

روان خوانی : هر جمله را با صدای بلند بخوانید.



السَّلَامُ عَلَيْكُمَا أَيُّهَا السَّيِّدَتَانِ.



هُوَ لَاءِ النِّسَاءِ قَوِيَّاتٌ. هُنَّ حَصَدْنَ المَحْصُولَ.



هَذِهِ المَرَأَةُ جَلَسَتْ عَلَى الأَرْضِ.



أَدَبُ المَرءِ حَيْرٌ مِّنْ ذَهَبِهِ.



الطُّلَّابُ وَقَفُوا حَوْلَ مُدَرِّسِهِمْ.



أَنَا وَقَفْتُ أَمَامَ بَابِ بَيْتِي.

الدَّرْسُ العِشْرُونَ «٢٠»



إِيسَامَاتُ

الأوَّلُ: أَرَأَيْتَ تِلْكَ التَّمَلَّةَ فَوْقَ الْجَبَلِ؟
التَّانِي: لا؛ مَا رَأَيْتُ. لَكِنِّي سَمِعْتُ صَوْتَ أَقْدَامِهَا.

الوَالِدَةُ: هَلْ غَسَلْتَ السَّمَكَةَ جَيِّدًا؟ الطُّفْلَةُ: لا؛ مَا غَسَلْتُهَا.
الوَالِدَةُ: لِمَاذَا مَا غَسَلْتِهَا؟! الطُّفْلَةُ: لِأَنَّ السَّمَكَةَ فِي الْمَاءِ كُلَّ عُمْرِهَا.



الطُّفْلُ: يَا وَالِدِي، أَنَا رَأَيْتُ سَارِقًا فِي التِّلْفِيزِيُونِ.
الوَالِدُ: مَاذَا فَعَلْتَ يَا وَلَدِي؟
الطُّفْلُ: ضَرَبْتُهُ بِالْخَشَبِ.

تَمَارِينُ عَامَّةٌ (٢)

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ : ترجمه ناقص را کامل کنید.

١. اللَّاعِبَةُ الْفَائِزَةُ، رَفَعَتْ عَلَّمَ إِيْرَانِ أَمَامَ النَّاسِ . بَازِيَكِنِ پَرچَمِ اِيْرانِ رَا مَقَابِلِ مَرْدَمِ
٢. أَشْجَارُ الْعِنَبِ وَالرَّمَانِ وَالْتَفَّاحِ، فِي الْحَدِيقَةِ . دَرخْتانِ اَنگُورِ و و دَر باغِ هَسْتَنَدِ .
٣. أَخِي، كَتَبَ وَاجِبُهُ؛ فَوَالِدِي، سَمَحَ لَهُ بِالْخُرُوجِ . بَرادَرَمِ، رَا نُوشتَ؛ پَسِ پَدَرَمِ بَهِ او
٤. صَبَّاحُ الْخَيْرِ يَا صَدِيقِي . كَيْفَ حَالُكَ الْيَوْمَ؟ اِي دُوسَتِ مَن حَالَتِ چَطُورِ اسْتِ؟
٥. أَيْنَ ذَهَبْتُمْ يَا إِخْوَتِي؟ - ذَهَبْنَا فَوْقَ الْجَبَلِ . كجا اِي بَرادَرانِ مَن؟ بِالايِ كُوهِ

التَّمْرِينُ الثَّانِي : پاسخ مناسب را انتخاب کنید.

١. الْيَوْمُ الْمَاضِي :	أَمْسٍ	غَدًا
٢. الْجُلُوسُ فِي مَكَانٍ مُقَدَّسٍ لِلْعِبَادَةِ :	الاعْتِكَافِ	الإِحْسَانِ
٣. إِثْناعَشَرَ شَهْرًا :	السَّنَةِ	الأُسْبُوعِ
٤. جَمْعُ مُكَسَّرٍ :	الْحُدُودِ	الْخُرُوجِ
٥. مِنْ مَلابِسِ الرِّجَالِ :	السَّرْوَالِ	الْفُسْتانِ

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ : در هر مجموعه، کدام کلمه از نظر معنا با بقیه «ناهماهنگ» است؟

١. سَبْتٌ □ أَحَدٌ □ يَوْمٌ □ ثَلَاثَةٌ □ أَرْبَعَةٌ □
٢. وَاحِدٌ □ إِثْنانِ □ ثَلَاثَةٌ □ أَرْبَعَةٌ □ وَحِيدَةٌ □
٣. رَبيعٌ □ صَيْفٌ □ سَحَابٌ □ خَرِيفٌ □ شِتاءٌ □
٤. حَوْلٌ □ جَنْبٌ □ وَراءٌ □ بَقِيٍّ □ تَحْتٌ □
٥. وَجَعٌ □ صَدْرٌ □ يَدٌ □ قَدَمٌ □ وَجْهٌ □

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: کدام فعل ماضی برای جای خالی مناسب است؟

































- | | | |
|---------------|---------------|---|
| □ أَكَلْتُمْ | □ أَكَلْتُمَا | ۱. أَيُّهَا الْأَصْدِقَاءُ، هَلْ مِنَ الْفَوَاكِهِ؟ |
| □ بَقَيْتُنَّ | □ بَقَيْتُمَا | ۲. أَيَّتُهَا الْمَرْأَتَانِ، كَمْ يَوْمًا فِي السَّفَرِ؟ |
| □ عَرَفْتُنَّ | □ عَرَفْنَا | ۳. يَا بَنَاتُ، هَلْ الْمُعَلِّمَةَ الْجَدِيدَةَ؟ |
| □ شَعَرْنَا | □ شَعَرْتُمْ | ۴. وَقَعْتُ عَلَى الْأَرْضِ وَ بِوَجَعٍ فِي يَدِي. |
| □ طَرَقُوا | □ طَرَقْنَا | ۵. الضُّيُوفُ بَابَ بَيْتِنَا. |

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: کدام کلمه پرسشی برای جای خالی مناسب است؟

- | | | |
|---------------|----------|--|
| □ مَنْ | □ كَمْ | ۱. هُوَ خَيْرُ النَّاسِ؟ - أَنْفَعُ النَّاسِ. |
| □ لِمَنْ | □ أَيْنَ | ۲. سَوْقُ الْحَمِيدِيَّةِ؟ - فِي نَهَائَةِ هَذَا الشَّارِعِ. |
| □ هَلْ | □ مَنْ | ۳. هَذَا الْوَلَدُ أَخُوكَ؟ - نَعَمْ. هُوَ أَخِي. |
| □ أ | □ أَيْنَ | ۴. أَنْتِ حَلِيمَةٌ؟ - لَا. أَنَا رَاضِيَةٌ. |
| □ مِنْ أَيْنَ | □ أَيْنَ | ۵. أَنْتُمْ؟ - نَحْنُ مِنْ إِيرَانَ. |

نَظَرَةٌ إِلَى الْفَصْلِ الثَّالِثِ وَالرَّابِعِ

نگاهی به فصل سوم و چهارم

ترجمه	ضمير منفصل + فعل ماضی + ضمير متصل	
من تکلیفم را نوشتم.	أَنَا كَتَبْتُ وَاجِبِي.	 
تو تکلیفت را نوشتی.	أَنْتَ كَتَبْتَ وَاجِبِكَ.	
	أَنْتِ كَتَبْتِ وَاجِبِكِ.	
او تکلیفش را نوشت.	هُوَ كَتَبَ وَاجِبَهُ.	
	هِيَ كَتَبَتْ وَاجِبَهَا.	
ما تکلیفمان را نوشتیم.	نَحْنُ كَتَبْنَا وَاجِبَنَا.	     
شما تکلیفتان را نوشتید.	أَنْتُمْ كَتَبْتُمْ وَاجِبَكُمْ.	  
	أَنْتُمْ كَتَبْتُمْ وَاجِبِكُمْ.	   
	أَنْتُنَّ كَتَبْتُنَّ وَاجِبِكُنَّ.	  
ایشان تکلیفشان را نوشتند.	هُمْ كَتَبُوا وَاجِبَهُمْ.	  
	هُنَّ كَتَبْنَ وَاجِبَهُنَّ.	  
	هُمَا كَتَبَا وَاجِبَهُمَا.	 
	هُمَا كَتَبَتَا وَاجِبَهُمَا.	 

المُعْجَم : واژه نامه

أَخْضَر : سبزه ۱۶	إِلَى اللِّقَاءِ : به امید دیدار ۹
إِذَا : هرگاه، اگر ۱۴	الْيَوْمَ : امروز ۱۶
أَرَادِل : فرومایگان ۱۴	أُمّ : یا ۱۳
أَرْبَعَاء : چهارشنبه ۱۶	أُمّ : مادر «جمع: أُمَّهَات» ۶
أَرْبَعَةٌ : چهار ۸	أَمَامَ : روبه رو ۷
أَرْض : زمین ۵	أَمَان : امنیت ۲
أَزْرَق : آبی ۱۶	أَمْثَال : مثلها ۱۵
أُسْبُوع : هفته ۸	إِمْرَأَةٌ (الْمَرْأَةُ) : زن «نساء : زنان» ۱
أُسْرَةٌ : خانواده ۹	إِمْرَأٌ (الْمَرْء) : انسان ۲
أَسْوَد : سیاه ۱۶	أَمْسٍ : دیروز ۱۶
إِشَارَةٌ خُمْرَاء : چراغ قرمز ۱۶	أَنَا : من ۵
إِشْتَرَى : خرید ۱۳	إِنَّ : حقیقتاً، قطعاً ۳
أَصْفَر : زرد ۱۶	أَنَّ : که ۱۷
إِعْتِكَاف : گوشه نشینی طولانی در جایی مقدس مانند مسجد شهر برای عبادت ۱	أَنْتِ : تو «مؤنث» ۵
أَعْطَى : داد ۱۸	أَنْتَ : تو «مذکر» ۵
أَفَاضِل : شایستگان ۱۴	أَنْتُمْ : شما «جمع مذکر» ۹
أَفْضَل : برتر، برترین ۶	أَنْتُمَا : شما «مثنی» ۹
أَقْدَام : پاها «مفرد: قَدَم» ۷	أَنْتُنَّ : شما «جمع مؤنث» ۹
أَكْبَر : بزرگ تر ۱۲	أَنْفَع : سودمندتر، سودمندترین ۶
أَكَلَ : خورد ۱۳	أَوْرَاق : برگها «مفرد: وَرَق» ۱۶
إِلَّا : به جز ۴	أَوْسَط : میانه ترین ۳
أَلْف : هزار ۱۰	أَوْلِيَاء : آنان ۳
	أَهْلًا وَ سَهْلًا : خوش آمدید ۱

الف

أَلِهَةٌ : خدایان «مفرد: إله» ۱۵
أَ : آیا ۴
أَب (أَبُو، أَبَا، أَبِي) : پدر ۹
إِئْتِسَام : لبخند ۱۷
أَبْيَض : سفید ۱۶
أَتَقَنَ : محکم انجام داد ۱۸
إِثْنَا عَشَرَ : دوازده ۸
إِنْسَانٍ : دو ۸
إِثْنَيْنِ : دوشنبه ۱۶
أَجَابَ عَنْ : پاسخ داد به ۱۴
أَحَبُّ : محبوب تر، محبوب ترین ۱
أَحَدٌ : کسی ۱۷
أَحَدٌ (يَوْمُ الْأَحَدِ) : یکشنبه ۱۶
أَحَدَ عَشَرَ : یازده ۸
إِحْسَان : نیکی کردن ۴
أَحْمَر : سرخ ۱۶
أَحْيَاء : زندگان «مفرد: حَيٌّ» ۳
أَخ (أَخُو، أَخَا، أَخِي) : برادر «جمع: إِخْوَةٌ» ۵
أُخْت : خواهر «جمع: أَخَوَات» ۵
أَخَذَ : گرفت، برداشت ۱۳

جُنْدِيّ : سرباز «جمع: جُنود» ۴
 جَوّ : هوا ۱۶
 جَوّال : تلفن همراه ۵
 جَيِّدًا : خوب، به خوبی ۱۸

ح

حارّ : گرم ۱۶
 حُبّ : دوست داشتن ۵
 حَجَر : سنگ «جمع: حِجَارَة» ۳
 حُدود : مرز، مرزها ۱۵
 حَديقَة : باغ «جمع: حَدَائِق» ۳
 حَزَن : غمگین شد ۱۵
 حَزِين : غمگین ۱۷
 حُسام : شمشیر ۵
 حُسْنُ العَهْد : خوش پیمانی ۵
 حُسْنُ الخُلُق : خوش اخلاقی ۸
 حَسَنَة : خوبی ۸
 حَصَد : درو کرد ۱۴
 حَفِظَ : حفظ کرد ۱۵
 حَقِيبة : کیف، چمدان «جمع: حَقَائِب» ۴
 حَوار : گفت و گو ۹
 حَوَل : اطراف ۶
 حَيَاة : زندگی ۱۶

تُفّاح : سیب ۱۲
 تَقَاعُد : بازنشستگی ۱۸
 تِلْكَ : آن «مؤنث» ۱

ث

ثُلّاء : سه شنبه ۱۶
 ثَلَاثَة : سه ۸
 ثَمّ : سپس ۱۴
 ثَمَانِيَة : هشت ۸
 ثَمَر، ثَمَرَة : میوه ۱

ج

جاءَ : آمد ۱۱
 جالِس : نشسته ۳
 جاهِل : نادان ۳
 جَبَل : کوه ۱
 جَدّ : پدربزرگ ۹
 جِدًا : بسیار ۱۷
 جِدَار : دیوار ۱۰
 جِدَة : مادربزرگ ۹
 جَزاء : پاداش ۴
 جَلَسَ : نشست ۱۱
 جُلوس : نشستن ۱۰
 جَلِيسُ السَّوِّء : همنشین بد ۶
 جَمَعَ : جمع کرد ۱۱
 جَمِيل : زیبا ۱
 جَنَب : کنار ۷

أَيّ : کدام، چه ۱۶
 أَيْنَ : کجا (مِنْ أَيْنَ: از کجا، اهل کجا) ۷
 أَيُّهَا، أَيُّهَا : ای ۱۲

ب

ب : به وسیله ۱۲
 باب : در «جمع: أبواب» ۷
 بارد : سرد ۱۳
 بائِع : فروشنده ۴
 بَحَثَ عَن : دنبال...گشت ۱۴
 بَحْر : دریا ۸
 بَدَأَ بـ : شروع کرد به ۱۲
 بَدَايَة : شروع ۸
 بَعِيد : دور ۴
 بَقَرَة : گاو ماده ۷
 بَقِيّ : ماند ۱۴
 بُسْتان : باغ «جمع: بَسَاتِين» ۳
 بَلّ : بلکه ۱۷
 بلا : بدون ۱
 بِنْت : دختر «جمع: بَنَات» ۱
 بَيْت : خانه ۲

ت

تَحَتّ : زیر ۶
 تَسَعَة : نه ۸
 تَعَارُف : آشنایی ۱۰
 تَعَالَى : بلند مرتبه ۱۰

خ

- خَافَ : ترسید ۱۷
 خَائِفٌ : ترسیده، ترسان ۱۷
 خَرَجَ : بیرون رفت ۱۴
 حَرِيفٌ : پاییز ۱۶
 حُسْرَانٌ : زیان ۱۴
 حَشَبٌ : چوب «جمع: أَحْشَاب» ۲
 حَلَفَ : پشت ۷
 حَمْسَةٌ : پنج ۸
 حَمِيسٌ : پنجشنبه ۱۶
 حَيْسِرٌ : بهتر، بهترین ۲

د

- دَخَلَ : داخل شد ۱۴
 دَفَعَ : پرداخت کرد ۱۴
 دَهْرٌ : روزگار ۲
 دَوْرَانٌ : چرخیدن ۶

ذ

- ذَكَرَ : یاد کرد ۱۳
 ذَلِكَ : آن «مذکر» ۱
 ذَهَبَ : رفت ۱۱
 ذَهَبٌ : طلا ۲

ر

- رَأَى : دید ۱۸
 رُبٌّ : چه بسا ۴
 رَبِيعٌ : بهار ۱۶
 رَجَعٌ : برگشت ۱۱
 رَجُلٌ : مرد «جمع: رِجَال» ۱
 رَحِمٌ : رحم کرد ۱۸
 رَخِيصَةٌ : ارزان ۶
 رِسَالَةٌ : نامه ۱۳
 رِضًا : رضایت ۲
 رَفَعَ : بالا بُرد، برداشت ۱۳
 رُفْمَانٌ : انار ۴

ز

- زَرَعَ : کاشت ۱۴
 زَوْجَةٌ : همسر «زوج: شوهر» ۱۲

س

- سَأَلَ : پرسید، خواست ۱۱
 سَائِقٌ : راننده ۴
 سَبَتٌ : شنبه ۱۶
 سَبْعَةٌ : هفت ۸
 سَبْعِينَ، سَبْعُونَ : هفتاد ۳
 سِنَّةٌ : شش ۸
 سَحَابٌ : ابر ۱۶

سِرْوَالٌ : شلوار ۱۳

سَفِينَةٌ : کشتی ۷

سَلِيمٌ : سالم ماند ۱۴

سَمَاءٌ : آسمان «جمع: سَمَاوَات» ۵

سَمَّخٌ : اجازه داد ۱۲

سَمِعَ : شنید ۱۱

سَمَكَةٌ حَجْرِيَّةٌ : سنگ ماهی ۱۷

سَمَكٌ : ماهی «جمع: أَشْمَاك» ۱۷

سَنَةٌ : سال «جمع: سَنَوَات» ۳

سَوْءٌ : بدی، بد ۵

سَوْقٌ : بازار ۱۳

سَيَّاحٌ : جهانگرد ۹

سَيَّارَةٌ : خودرو ۵

سَيِّدٌ : آقا ۵

سَيِّدَةٌ : خانم ۵

ش

شَارِعٌ : خیابان ۶

شَبَكَةٌ : تور ۱۷

شِتَاءٌ : زمستان ۱۶

شَجَرٌ، شَجَرَةٌ : درخت «جمع: أَشْجَار» ۱

شِرَاءٌ : خریدن ۱۸

شَرِبَ : نوشید ۱۱

شَعْرَبٌ : احساس... کرد ۱۵

شُكْرًا جَزِيلًا : بسیار متشکرم ۱۳

شَهْرٌ : ماه «جمع: شُهُور» ۸

ص

- صَبَاحُ الْخَيْرِ، صَبَاحُ النَّوْرِ: صبح به خیر ۹
 صِحَّةٌ: تندرستی ۲
 صَدَاقَةٌ: دوستی ۳
 صَدْرٌ: سینه ۱۵
 صَدِيقٌ: دوست «جمع: أَصْدِقَاءُ» ۵
 صَعِدَ: بالا رفت ۱۴
 صِعْرٌ: خُرْدَسَالِي، کوچکی ۳
 صَغِيرٌ: کوچک ۵
 صَفٌّ: کلاس «جمع: صُفُوفٌ» ۱
 صَلَاةٌ: نماز ۴
 صَنَعَ: ساخت ۱۵
 صُنِعَ: ساختن ۱۸
 صَوْرَةٌ: عکس ۴
 صَيْفٌ: تابستان ۱۶

ض

- ضَرَبَ: زد ۱۵
 ضَيْفٌ: مهمان «جمع: ضُيُوفٌ» ۵

ط

- طَالِبٌ: دانش آموز، دانشجو
 «جمع: طُلَّابٌ» ۱
 طَرَّقَ: کوبید ۱۱
 طَلَّبَ: درخواست کرد ۱۴
 طَوَافٌ حَوْلَ الْبَيْتِ: چرخیدن دور کعبه ۱

ع

- عِبَاءَةٌ: چادر ۱۳
 عَبْدٌ: بنده ۶
 عَبَّرَ: عبور کرد ۱۵
 عِدَاوَةٌ: دشمنی ۳
 عُدُوَانٌ: دشمنی ۱۴
 عَرَفَ: شناخت ۱۵
 عَشْرَةٌ: ده ۸
 عَفْوًا: ببخشد ۱۵
 عَلِمَ: پرچم ۱۳
 عَلِمَ: دانست ۱۷
 عَلَى: بر، روی ۷
 عَلَيْكَ: بر تو، به زیانِ تو ۲
 عَلَيْكَ بِ-: بر تو لازم است که، تو باید ۷
 عَلَيَّ (عَلَى ي): بر من لازم است
 عَمِلَ: انجام داد، کار کرد ۱۸
 عَمُودٌ: ستون ۴
 عَنَ: از ۱۴
 عِنَبٌ: انگور ۴
 عِنْدَ: نزد ۳
 عَيْشٌ: زندگی ۶

غ

- غَالِيَةٌ: گران ۶
 غَدًا: فردا ۱۶

غُرَابٌ: کلاغ ۱۶

غُرْفَةٌ: اتاق ۴

غَسَلَ: شُست ۱۳

ف

- فَ: پس ۱۷
 فَاعِلٌ: انجام دهنده ۶
 فَائِزَةٌ: میوه «جمع: فَوَاكِهٌ» ۱۲
 فَائِزٌ: برنده ۳
 فَتَحَ: باز کرد ۱۱
 فَرِحَ: خوشحال شد ۱۵
 فَرِيضَةٌ: واجب دینی ۱
 فُسْتَانٌ: پیراهن زنانه ۱۳
 فَعَلَ: انجام داد ۱۱
 فَالَاحٌ: کشاورز ۱۲
 فُنْدُقٌ: هتل ۴
 فَوَّقَ: بالا، روی ۷
 فِي: در، داخل ۱
 فِي أَمَانٍ اللّهِ: خداحافظ ۹

ق

- قَالَ: گفت ۱۴
 قَالَ فِي نَفْسِهِ: با خودش گفت ۱۸
 قَبِلَ: پذیرفت ۱۸
 قَبِيحٌ: زشت ۱۷

م

- ما : چه، چه چیز، چیست ۶
 ما : حرف نفی ماضی «ما عرف : نشناخت» ۱۵
 ماء : آب ۱۱
 ماذا : چه، چه چیز ۶
 مَبْرُوك : مبارک ۱۳
 مُجَالَسَة : همنشینی با ۱
 مُجَدِّد : کوشا ۱۸
 مَجْهُول : ناشناخته، گمنام ۲
 مُدَارَاة : مدارا کردن ۶
 مُدَرِّس : معلم ۳
 مَدِينَة : شهر «جمع : مُدُن» ۳
 مَرْأَة (الْمَرْأَة) : زن ۱
 مُسَاعَدَة : کمک ۱۲
 مَسْرُور : خوشحال ۲
 مُضْحَف : قرآن ۸
 مَضْنَع : کارخانه ۱۸
 مَعَ : با، همراه ۷
 مَعَ السَّلَامَة : به سلامت ۹
 مِفْتَاح : کلید «جمع : مَفَاتِيح» ۳
 مَكْتَبَة : کتابخانه ۳
 مَلَابِيس : لباس ها ۱۳
 مَلَك : فرمانروا شد ۱۴
 مَمْلُوء بِ : پُر از ۱۲
 مِنْ : از ۲

- مَكَّن : یتان، -شما «جمع مؤنث» ۱
 كَثْر : گنج «جمع : كُنُوز» ۳
 كَيْف : چطور ۹
 كِيمِيَاء : شیمی ۹
 ك : نت، -تو «حَالِك : حالت» ۹
 ك : نت، -تو «مؤنث» ۱۰

ل

- لِ : برای ۲
 لا : نه، نیست ۴
 لَا فَرْق : فرقی نیست ۱۳
 لَاعِب : بازیکن ۳
 لِأَنَّ : زیرا ۱۱
 لَيْسَ : پوشید ۱۵
 لِسَان : زبان ۴
 لَعِبَ : بازی کرد ۱۱
 لُغَة : زبان ۵
 لَك : برایت، به سود تو ۲
 لَكِنَّ (لَكِنَّ) : ولی ۱۳
 لَمَّا : هنگامی که ۱۸
 لِمَاذَا : چرا ۱۱
 لِمَنْ : مال چه کسی، مال چه کسانی ۵
 لَوْحَة : تابلو ۱
 لَوْن : رنگ «جمع : ألوان» ۱۶
 لَيْسَ : نیست ۱۸

- قَدَف : انداخت ۱۷
 قَرَأ : خواند ۱۲
 قَرُبَ مِنْ : نزدیک شد به ۱۴
 قَرِيب : نزدیک ۴ (قَرِيبٌ مِنْ : نزدیک به)
 قَرِيَة : روستا ۴
 قَصِير : کوتاه ۱۴
 قَطَع : بُرید ۱۵
 قَلِيل : کم ۴
 قَمَر : ماه ۷
 قَمِيص : پیراهن ۱۳
 قِيَمَة : ارزش، قیمت ۱

ك

- ك : مانند ۱
 كَاخِرِ عَمَلِهِ : به عنوان آخرین کارش ۱۸
 كَاتِب : نویسنده ۶
 كَان : بود ۱۱
 كَبِير : بزرگ ۲
 كَتَبَ : نوشت ۱۱
 كَثِير : بسیار ۴
 كُرْسِي : صندلی ۲
 كُل : همه، هر ۲
 كَلَام : سخن ۲
 كُمْ : یتان، -شما «جمع مذکر» ۱
 كَمْ : چند، چقدر ۸
 كَمَا : یتان، -شما «مثنی» ۱۰

مَنْ : چه کسی، چه کسانی ۵

مَنْ : هرکس ۱۱

مِنْصَدَّة : میز ۶

مَوْت : مرگ ۳

ن

نَا : چمان، - ما ۱۰

نَاجِح : موفق، پیروز ۱

نَار : آتش ۸

نَاس : مردم ۶

نَافِذَة : پنجره ۲

نَجْم : ستاره «جمع: نُجُوم» ۹

نَحْنُ : ما ۹

نَدِيمٌ : شمیمان شد ۱۸

نِسَاءٌ : زنان ۶

نَسِيٌّ : فراموش کرد ۱۵

نَسِيَانٌ : فراموشی ۱

نَصَرَ : یاری کرد ۱۶

نَظَرَ : نگاه ۸

نَظَرَ : نگاه کرد ۱۷

نَظِيفٌ : پاکیزه ۲

نَعَمٌ : بله ۴

نَمَلَةٌ : مورچه ۱۶

نَهَايَةٌ : پایان ۱۰

و

وَاجِبٌ : تکلیف ۱۱

وَاحِدٌ : یک ۲

وَاقِفٌ : ایستاده ۳

وَإِلِدٌ : پدر ۱۲

وَإِلِدَةٌ : مادر ۱۲

وَجَدَ : پیدا کرد ۱۴

وَجَعٌ : درد ۸

وَجْهٌ : چهره ۸

وَخَدَاكُ : توبه تنهایی ۱۳

وَخَدَةٌ : تنهایی ۵

وَحِيدٌ : تنها ۱۷

وَرَاءَ : پشت ۷

وَرْدَةٌ : گُل ۲

وَصَلَ : رسید ۱۴

وَقَعَ : افتاد ۱۵

وَقَفٌ : ایستاد ۱۵

وَلَدٌ : پسر، فرزند «جمع: أَوْلَادٌ» ۱

هـ

هُ : او، شش، آن ۳

هَ : او، شش، - او ۳

هَاتَانِ : این دو، اینها «مؤنث» ۲

هَذَا : این «مذکر» ۱

هَذَانِ : این دو، اینها «مذکر» ۲

هَذِهِ : این «مؤنث» ۱

هَرَبٌ : فرار کرد ۱۷

هَلْ : آیا ۴

هَلَاكَ : مُرد، هلاک شد ۱۴

هُمٌ : آنها، ایشان «جمع مذکر» ۹

هُنَّ : ایشان، - آنها «جمع مذکر» ۱

هُمَا : آن دو ۹

هُمَا : ایشان، - آن دو «مثنی» ۱۰

هُنَّ : آن‌ها، ایشان «جمع مؤنث» ۹

هُنَّ : ایشان، - آنها «جمع مؤنث» ۱

هُنَا : اینجا ۴

هُنَاكَ : آنجا ۷

هُوَ : او «مذکر» ۵

هُؤُلَاءِ : اینان ۳

هِيَ : او «مؤنث» ۵

ي

ي : من، - من ۶

يَا لَيْتَنِي : ای کاش من ۱۸

يَدٌ : دست ۷

يَسَارٌ : چپ ۶

يَمِينٌ : راست ۶

يَوْمٌ : روز «جمع: أَيَّامٌ» ۲

الْيَوْمَ : امروز ۶

أَيْهَا الْأَصْدِقَاءُ،
وَصَلْنَا إِلَى نِهَايَةِ السَّنَةِ ؛
فِي أَمَانِ اللَّهِ ؛
وَ إِلَى اللَّقَاءِ فِي الصَّفِّ الثَّانِي ؛
حَفِظَكُمُ اللَّهُ ؛
مَعَ السَّلَامَةِ .

